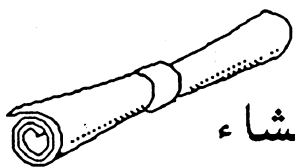
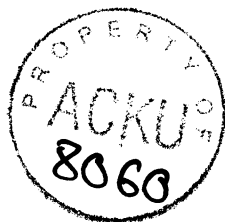


رازها افشاء می‌گردد

# سهل انگاری محمد داود خان و کودتای «۷» ثور



سردار بزرگ شهید سردار محمد داود خان رئیس جمهور سابق افغانستان



رازها \_\_\_\_\_

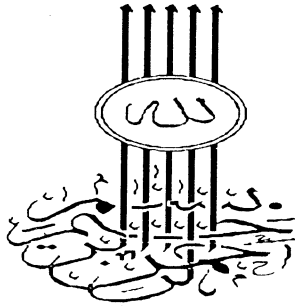
افشاء \_\_\_\_\_

میگردد \_\_\_\_\_

سهل انگاری محمد داؤد خان  
و کودتای « ۷ » ثور



نویسنده : داکتر شاه زمان وریخ ستانیزی



## معرفی کتاب

سهل انگاری محمد داود خان و کودتای «۷» ثور.

نویسنده : داکتر شاه زمان وربغ ستانیزی.

مہتمم : ایمل ستانیزی

سال طبع : ۱۳۷۸ هـ. شمسی

تیراژ : ۱۰۰۰

ناشر کتابفروشی فضل- دهکی منورشاہ، قصہ خوانی بازار، پشاور

فرستندہ عکس صفحہ : ش راد

اول پشتی

حق چاپ محفوظ است

# بسم الله الرحمن الرحيم

## دليکوال يو خو لنډی يادونی

شهيد سردار محمد داود دخپلو اقتصادي او فرهنگي سترو خدمتونو ترڅنگ خو ستري تير و تنی هم کړی چی دغه تيروتنی دافغانستان دتباهی سبب شول. يوه تيروتنه يی داوه چی سلطنت ته يی سقوط ورکړ.

په داسی حال کی چی ملت په سلطنت راټول و.

دواد خان کومه کودتا چی وکړه په دی کودتا کی ځينو خلقيانو او پرچميانو هم ونډه در لوده چی وروسته د دوی شړل دپرچميانو دقهر سبب شو. او د دولت په ضد راو پاريدل. بله اشتباه داوه چی سردار داود خان وروسته له کودتا څخه له خورد ظابطانو څخه افسران جوړ کړل چی دا د اردو دکمزور تيا سبب شو او دغه بی سواده خورد ظابطان دکمونيستانو دتبليغاتو تراغيزی لاندي را غلل او په دوی سره دکمونيستانو جبهه په اردو کی پياوړی شوه دشهيد سردار محمد داود بله تيروتنه داوه چی خپل پخوانی دوستان يی هير کړل او داسی کسان پری را ټول شول چی بی کفايته او هيچ صفت په دوی کی موجود نه و لکه حيدر رسولي. په اردو کی دحيدر رسولي موجوديت عمومي ناراضايتونه يی را وپارول. پخپله سردار محمد داود په حيد رسولي ډير باور درلود هر څومره چی خلکو ورته ويل چی

کمونیستان کودتا کوی ده نه منله او کوم وخت چی په دی واقعیت پوه شو او د کمونیستانو مشران و نیول شول هغه یی د ولایت په جیل کی وساتل او ارگ ته یی انتقال نکړل چی دا هم یوه ستره اشتباه وه چی ده و کړه.

د شهید سردار محمد داود دغه تیروتنی ددی سبب شول چی کمونیستان او ورسته اخوانیان قدت ته ورسیری او هیواد د دوی په لاس وړان او پر مختللی افغانستان د تمدن له کاروان څخه خو پیری بیر ته پاتی شی!!

که چیر ته شهید سردار محمد داود ژوندی وای اوس به له افغانستان څخه دویم سویس جوړ او له ډیرو ختیزو هیوادو څخه به داقتصاد ، فرهنگ معارف او تجارت له پلوه وړاندی او د پرمختللی هیوادو په کتار کی به شمیرل کیدلو. افغان ملت چی د تاریخ په اوږدو کی یی ډیر کړاونه گاللی او خو ځلی ددی تاریخی هیواد تمدن تر خاوری لاندی شویدی دادی اوس د تاریخی د بنمنانو په لمسون دخپلو افغانانو په لاس هیواد تباہ شو. هو! ماڼی او کورونه به اباد شی خود فرهنگ او معارف بیا احیا کول گران کار دی خو پیری پکار دی چی معارف او فرهنگ د ظاهر شاه د تلای د دوری په خیر بیرته احیا شی.

افغان ملت چی د روز گار ستری څپیری یی لیدلی دا موجوده نامردانه څپیری به هم تیری شی او د دری ژبو په اصطلاح.

« زمیستان تیر میشود رو سیاهی به ذغال میمانه ».

« وریخ ستانیزی »

## رازها افشاء میگردد

بسم تعالی

### سهل انگاری سردار محمد داود خان و کودتای «۷» ثور

سال ۱۳۵۷ در اواخر ماه حمل در پارک زرنگار در دفترم نشسته بودم یکی از دوستانم کارمند عالی رتبه وزارت معارف شاغلی عبدالمحمد مموزی وارد دفترم گردید بعد از احوال پرسى موصوف گفت که من با شاغلی شیر زاد وزیر سابق تجارت کاری ضروری دارم. من بعد از چند لحظه مکث از وی پرسیدم. چی کاری! وی گفت مخصوص و عاجل است. من به جوابش چیزی نگفتم باوی طرف منزل بناغلی شیر زاد حرکت کردیم و با عجله وارد منزل شیرزاد شدیم بعد از چند دقیقه با شاغلی شیرزاد رو برو شدیم بعد از احوال پرسى و صرف چای شاغلی شیرزاد گفت: برادرها کدام امری است. من به جوابش گفتم جناب وزیر صاحب من چیزی گفتمی ندارم اما دوست من کار مخصوص و عاجل با شما دارد. شیرزاد بعد از چند لحظه مکث گفت:

خوب بفرمایید: دوست من گفت: جناب وزیر صاحب، پرچی ها و خلقی ها در سفارت شوروی رفت و آمد دارند و خیال دارند که در این

چند روز کودتا نماید من درین کتاب راجستر شهرت مکمله شانرا درج نموده ام و نام های تمام پرچمی ها و خلقی ها که در سرتاسر کشور فعالیت دارند درین کتاب جمع آوری گردیده خصوصاً کسانی که در وزارت دفاع و وزرات معارف ایفای وظیفه مینمایند.. جناب وزیر صاحب! آنها در تلاش اند تا کودتا را علیه سردار صاحب به راه اندازند موضوع عاجل میباشد. شیر زاد با خونسردی کتاب را ورق میزد و میگفت: بلی چندی قبل محمد ولی لوی ولسوال خوست نیز راپور کودتا را به اطلاع سردار صاحب رسانید. اما. حیدر رسولی وزیر دفاع به سردار صاحب اطمینان داد که این افواها دروغ محض است و محمد ولی خان شما را در تشویش می اندازد.

دوست من اصرار ورزید و گفت: جناب وزیر صاحب این کتاب دست داشته من را به سردار صاحب پیش کنید.

شاغلی شیرزاد گفت: به تأسف باید گفت که دور سردار صاحب را دیوار فولادی گرفته است اگر سردار صاحب را تکلیف هم بدهیم بی فایده بوده به حرف های ما و شما گوش نمیدهد.

دوست من دو باره اصرار ورزید و از تضرع کار گرفت باز هم جناب وزیر صاحب بی اعتنایی نشان داده و از جا برخاست و طرف کلکین سالون که در منزل دوم قرار داشت رفت بعد از چند ثانیه ما را طرف کلکین دعوت نمود. ما نزدیک کلکین شدیم وزیر صاحب طرف منزل سردار داؤد خان اشاره کرد و گفت: آن منزل سردار صاحب میباشد و آن دروازه را که مشاهده میکنید و فعلاً مسدود میباشد بین منزل من و سردار صاحب قرار دارد از این دروازه چوبی وقت ونا وقت به منزل سردار صاحب رفت و آمد داشتم فعلاً آن دروازه را مسدود ساخته ام و منظور

من از مسدود ساختن دروازه اینست که دیگر با سردار صاحب چندان رفت و آمد ندارم سردار صاحب به حرف های من گوش نمیدهد.

اشخاص طرف اعتماد او قدیر وزیر داخله و حیدر رسولی وزیر دفاع میباشد. شاغلی شیرزاد از کلکین دور شده به جای اولی خود برگشت. دوست من از قهر میلرزید وزیر عرق غرق شده بود.

شاغلی شیرزاد گفت: امریکایی ها به فکر افغانستان نیستند با ما کمک نمی نمایند، روس ها مقاصد و اهدافی دارند ممکن افغانستان را روزی با مصیبتی روبرو کنند، ما هم ناگزیر بودیم که با شوروی ها دست دوستی را دراز کنیم و برای بهبود وضع اقتصادی و نظامی از شوروی ها کمک بطلبیم، از سیاست موحوده شوروی معلوم میگردد که اینها پا را از گلیم دراز نموده و میخواهند امتیازات زیادی را به دست آورند و اهداف خاصی را بر ما تحمیل نمایند من بار ها گفته ام بازهم میگویم که باید به مقابل شوروی ها از سیاست محتاطانه کار گرفت اما بدبختی درین جاست که حریف بزرگ شوروی امریکا با افغانستان دلچسپی ندارد هرچی بر امریکا فشار آورده شد و از ایزن هاورونیکسن بارها تقاضا گردید که افغانستان را تنها نگذارند اما آنها توجه نکردند. پرخاش سردار صاحب با بریژنف در قصر کرملین باعث گردید که افغانستان در سیاست خود به مقابل شوروی ها تجدید نظر کند، همین اکنون تماس های دیپلوماسی با مقامات ایرانی عربستان سعودی و مصر ادامه دارد، این کشورها گفته اند اگر افغانستان در سیاست خارجی خود به مقابل شوروی ها تجدید نظر کند افغانستان را تنها نخواهیم گذاشت. همین اکنون کار خط آهن از ایران تا کابل ادامه خواهد یافت، شیرزاد گفت: پرابلم های بزرگی پیشرو داریم خصوصاً در ساحه اقتصاد اگر وضع اقتصادی ما خوب شود معادن آماده استخراج گردد و زراعت ما انکشاف نماید

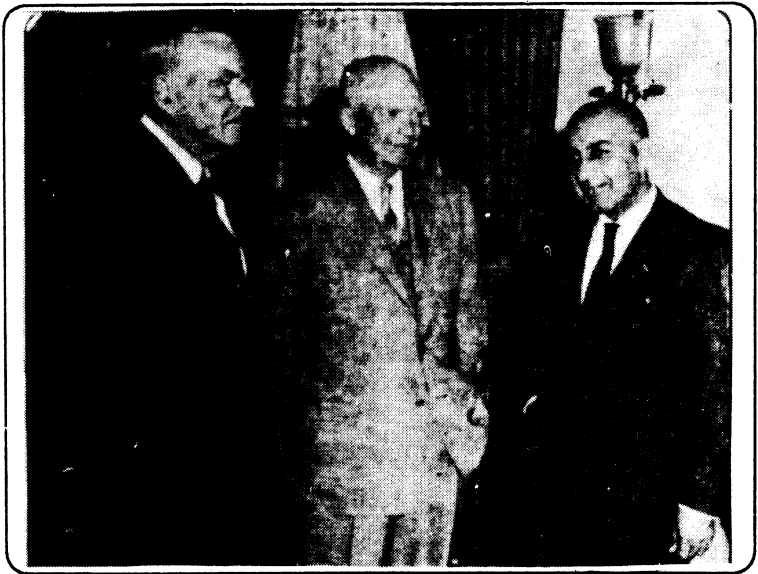


صادرات ما و تجارت ما به سیستم عصری عیار گردد آنوقت ضرورت به این نخواهد بود که از شوروی ها کمک بخواهیم هر چیز بر اقتصاد میچرخد وضع نا بسامان اقتصادی ما را مجبور کرد که با شوروی ها نزدیک شویم. البته قابل توضیح است که کمک های اقتصادی شوروی ها روی اهداف خاص میچرخد. و این اهداف آنها قابل درک است چه کنیم که امریکایی ها با مردم افغانستان دلچسپی ندارند. زمانی امریکایی ها به اشتباه خود پی ببرند که گپ از گپ گذشته باشد. در این اثنا مهمانی وارد گردید و سخنان ما با شیرزاد قطع گردید، طرف پارک زرنگار حرکت کردیم و در راه می اندیشیدیم که چی کنیم، با دوست خود خدا حافظی کردم و قرار گذاشتیم که فردا در دفتر کارم (مجله جمهوری پلوشه) باهم صحبت خواهیم کرد شب ساعت ۹ بجه بود که صد دل را یکی کردم به تېلفون نمبر (...). زنگ زد، سردار صاحب گوشی را برداشت با آواز مردانه خود گفت، بلی بفرمائید. من میلرزیدم بعد از ادای احترام خود را معرفی نمودم و با کلمات کنده کنده وی ربط گفتم که کودتا میشود. سردار صاحب خندید و گفت فرزندم از این ناحیه تشویشی نداشته باشید فردا با قدیر ملاقات نمایید از شما دوستان يك عالم تشکر. فردا ساعت ۸/۳ بجه قبل از ظهر طرف وزارت داخله حرکت کردم ساعت ۱۱ بجه وقت یافتم تا با قدیر وزیر داخله ملاقات نمایم جریان را مفصلاً با قدیر در جریان گذاشتم قدیر بعد از چند لحظه مرا به دفتر دیگری دعوت نمود اما از سیمای قدیر معلوم میگردید که در تشویش میباشد.

قدیر وزیر داخله گفت: کودتا امکان ندارد، اما پلانی دیگری کشف نموده ایم و کار درین ساحه جریان دارد. کا. جی. بی در نظر دارد توسط پرچمی ها سردار صاحب را ترور نماید. همین اکنون پرچمی ها در سفات شوروی رفت و آمد دارند ما متوجه هستیم و اسنادی در دست داریم و

یکی از اعضای کی. جی. بی. نیز دستگیر شده است به رویت اسناد دست داشته بېرک خاین و دارو دسته اش دستگیر میشوند.

قدیر گفت: درسیاست شوروی ها تغییر فاحشی بوجود آمده است آنها نمیخواهند در افغانستان رژیم موجوده باقی بماند رئیس صاحب جمهور نیز دیگر علاقمند به این نیست که با امپریالیزم سرخ نزدیک باشد، قدیر با



ملاقات سردار داود خان با هیزن هاور رئیس جمهور امریکا

عصبانیت گفت: این امریکایی های بی ایمان و ترسو اند که افغانستان را کمک نکردند و سیاست احمقانه نیکسن را در قبال افغانستان در پیش گرفته اند.

قدیر افزود: برای شما معلوم است که رهبر ما داود خان در قصر کرملین با بریژنف پرخاش نمود.

بریژنف میخواست افغانستان را تحت نفوذ خود در آورد و خواسته

های نا مشروع خود را بر ما تحمیل نماید اما رهبر ما به بریژنف قاطعانه گفت: هیچوقت به شما حق نمیدهیم که برای ما دیکته کنید، ما ازاد هستیم و خود ما در مورد اداره مملکت و سیاست های خارجی تصمیم می گیریم. و این حق ماست که کی ها را در افغانستان استخدام نماییم.

قدیر چنین ادامه داد: بلی این را هم باید گفت که ما قبلاً بر این دست درازی ها عمیقاً پی برده بودیم و قتیکه رهبر ما از عربستان سعودی و ایران بر گشت در نطق تاریخی خود در شهر کندهار به صراحت گفت که ایدیالوژی های وارد شده به درد مملکت نمی خورد. درین جمله رهبریک عالم معنی وجود دارد و هدف رهبر ما از ایدیالوژی های وارد شده کمونیزم بود که توسط پرچمی ها و خلقی ها در افغانستان ترویج میشد. ما مسلمان هستیم و به چنین ایدیالوژی که با فرهنگ، کلتور و عنعنات ملی ما متضاد واقع شود اجازه پخش نخواهیم داد. ما از خود ایدیالوژی خاصی داریم که آن عبارت از افغانیت و اسلامیت است.

قدیر دو باره با عصبانیت گفت: این امریکایی ها بودند که ما را به بدبختی ها مواجه ساختند اگر امریکایی ها با ما کمک میکرد ما چرا دست خود را به شوروی ها دراز میکردیم. روس های خبیث با امیر شیر علی خان چه کردند که با ما کنند امپریالیزم امپریالیزم است اگر در راس این امپریالیزم روسها باشد یا اروپایی ها. زمانیکه رهبر ما در دوره صدارت خود سفربری را اعلان کرد و میخواست با پاکستان اعلان جنگ نماید این امریکایی ها بودند که مانع این کار شدند.

گرچه ما سلاح کافی بدست نداشتیم اما با این سلاح کهنه و فرسوده با همت عالی افغانی میتوانستیم پاکستان را تحت تصرف خود در میاوردیم اما امریکایی ها ما را فریب داد و به اثر میانجیگری ملک فیصل و جمال عبدالناصر ازین تصمیم ملی صرف نظر گردید.

قدیر گفت: عنقریب همه شان را تارو مار میکنیم من یقین کامل دارم اگر این دانه های سرطان برداشته نشود روزی افغانستان را بدبخت و بریاد خواهد نمود. من به وزیر داخله مرحوم قدیر شهید گفتم: فعلاً چاره چیست و چی باید کرد که از این خطر نجات یابیم وی گفت: چاره اینست که در افغانستان ریشه کمونیزم بر داشته شود و پیروان این مسلک از بین برده شود و همه اقوام متحد و یک ملت قوی ونیرومند بوجود آید و تشویق شوند که همه شان با هم دست داده، کار نمایند ر اقتصاد کشور تقویه گردد.

اگر اقتصاد ما قوی میبود ما چرا به روس ها و یا امریکایی ها احتیاج میشدیم.

وی ادامه داده گفت: من از شما تشکر میکنم امشب با رهبر همه موضوعات را درمیان می گذارم تا تصمیم قاطع گرفته شود. با ما تماس داشته باشید از شما جوانان روشنفکر و وطنپرست، باز هم تشکر. اما واضح میسازم که وقت ضایع شده و ما غافل شدیم. ساعت یازده وسی دقیقه وزارت داخله را ترك گفتم و به دفتر کار خود آمدم در دفتر کارم بروی میزکار، کارت دعوت سفارت شوروی را دیدم. از دیدن کارت خوشحال شدم و علت خوشحالی من آن بود که در سفارت شوروی در مورد کودتای طرح شده روس ها معلوماتی را بدست آورم، ساعت چهار بجه بود به سفارت شوروی رسیدم. در سفارت اعضای سفارت و خود سفیر پوزانف از مهمانان پذیرایی میکرد. در سالون داخل شدم، دیدم که اعضای برجسته پرچم به شمول ببرک کارمل، اناهیتا، بارق شفعی و غیره که تعداد شان به بیست نفر میرسید مانند اعضای سفارت از مهمانان پذیرایی میکردند. اما از جناح خلق هیچکس نبود. جناح خلق را هیچگاه شوروی ها دعوت نمیکردند و ما هم از مدت ها هیچ یکی از اعضای جناح خلق را

در دعوت ها ندیده بودیم. و شوروی ها هم چندان علاقه ای به جناح خلق نداشتند.

در دعوت تعداد زیادی از مهمانان اشتراك ورزیده بودند. بعد از سر گرمی ها و پرشدن شکم ها خود را به یکی از اعضای سفارت که با دری خوب صحبت میکرد رسانیدم در خلال صحبت از وی پرسیدم. که آیا در افغانستان انقلاب کمونیستی یا سوسیالستی امکان دارد.

وی گفت: نه هر گز نی، پالیسی شوروی اینست که انقلاب ها از مسیر اصلی خود یعنی بعد از طی مراحل یعنی اول يك کشور باید صنعتی گردد بعد از صنعتی شدن توسط کارگر ها انقلاب بوجود آید اما افغانستان تا هنوز يك کشور نیمه فیودالی بوده و نیم قرن بکار است که افغانستان صنعتی شود آن هم به کمک دوستان شما یعنی شوروی ها. من به جوابش گفتم آیا به کمک امریکا نمیشود که افغانستان صنعتی گردد.

وی گفت: ما هر گز به امریکایی ها اجازه نمیدهیم که در افغانستان سرمایه گذاری نمایند و مرکز فعالیت های سیاسی امریکا علیه شوروی گردد و اینرا امریکا با ما قبول نموده اند. که به افغانستان نزدیک نشوند همین اکنون المان غرب در ولایت پکتیا پروژه های را روی دست دارد که قابل تحمل ما نیست.

این عضو سفارت زیاد نیشه شده بود خوب حرف زده نمیتوانست و من زیاده از این از وی استفاده کرده نمی توانستم خود را نزدیک ببرک کارمل نمودم وی زیاد نیشه شده بود. مرا در آغوش گرفت و گفت: وقت آن رسیده که نظام کهنه و فرتوت خاندان نادر غدار سرنگون شود.

برایش گفتم: رفیق کارمل چه وقت؟

وی گفت: صبر کن در همین ماه یا بعد تر.

من دانستم که موضوع کودتا واقعیت دارد. و شوروی ها حتماً در

افغانستان کودتا را به راه می اندازند.

زمانیکه کاسگین صدراعظم شوروی جهت افتتاح پولی تخنیک به کابل سفر نموده بود در یک مجلس از وی پرسیده بودم که آیا در افغانستان انقلاب سوسیالستی امکان دارد وی گفته بود نه بزودی امکان ندارد. نیم قرن بکار است که مردم افغانستان آماده انقلاب شوند. اما وی این نکته را نیز گفته بود. که در بعضی از کشورها میشود توسط کودتا های نظامی رژیم کهنه از بین رود و رژیم سوسیالستی حاکم شود. و آنها بدون طی مراحل جامعه را طرف سوسیالیزم سوق دهند.

خوانندگان گرامی: من در ختم مجلس زیاد سراسیمه شدم نیمه شب به پوهاند داکتر نوین وزیر اطلاعات و کتور زنگ زدم و از وی وقت گرفتم تا فردا با وی ملاقات نمایم. تمام شب خواب نکردم و چندین مرتبه خواستم به سردار صاحب محمد داود خان تیلیفون کنم اما جرئت آنرا نداشتم که وی را نیمه شب از خواب بیدار کنم. فردا ساعت ۸ به دفتر کار پوهاند نوین رفتم ساعت ۹ بجه وقت آن رسید تا با وی ملاقات نمایم. پوهاند نوین را از جریان دعوت دیروزه آگاه ساختم. پوهاند نوین عمیقاً با توجه خاصی به حرف هایم گوش میداد.

در آخر وی گفت: کاملاً درست که پرچمی ها و خلقی متحد شده اند فکر میکنم این اتحاد غیر مترقبه وضع را تغییر بدهد. دیده شود چی گلی را آب میدهند.

پوهاند نوین صحبت خود را ادامه داده در مورد خطر کمونیزم و اهداف شوم آن صحبت میکرد در خلال صحبت آهسته آهسته عصبانی شده گفت: ما و شما قبلاً در زمان داکتر یوسف خان صدراعظم میگفتیم که ببرک کارمل چهره مشکوک است واقعاً که این پیشگویی حقیقت پیدا کرد و بلاخره ثابت گردید که ببرک اجنت شوروی و عضوی فعال

کی. جی. بی. بوده است زمانیکه سفارت شوروی در مقابل لیسه اریانا موقعیت داشت اثار لینن و استالین از طریق و بستون توك توزیع میگردد و همه جوانان خصوصاً اعضای اتحادیه محصلین کتب زیادی را به قیمت نازل از نمایندگی و بستون توك دستیاب میکردند همین اثار بود جوانان را گمراه کرد و نتیجه آن شد که جوانان خصوصاً اعضای اتحادیه محصلین کمونیست شدند واقعاً مطالعه این اثار جذب کننده و شیرین بود اما در عمل دیدیم که پیاده کردن این فلسفه چی جنایاتی را در شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی ببار آورد بلی ماهم سوسیالیزم میخواهیم اما سوسیالیزم افغانی و اسلامی تحت بیرق سه رنگ ما.

نوبن گفت: در جریده پکتیکا نوشته شده بود که: «مور افغانی سوسیالیزم ددری نگه بیرق لاندی غوارو» واقعاً پیشنهاد خوبی بود. در افغانستان هر ایدیالوژی که پیاده میشود باید مطابق خواست مردم باشد و با عنعنات کلتور و فرهنگ افغانها مطابقت داشته باشد اما کمونیزم در افغانستان هیچوقت پیاده شده نمیتواند. افغانها عجیب و غریب خصوصیتی دارند هر چیزیکه مطابق خواست و ذوق شان نباشد ولو که به نفع شان باشد بازهم در مقابل شان عکس العمل نشان میدهند امروز اگر تعدادی از جوانان دور کارمل یا تره کی جمع شده اند همه فریب خورده میباشد مغز آنها انقدر انکشاف نکرده که سوسیالیزم و کمونیزم را تحلیل کنند و بدانند که با شرایط موجوده افغانستان سازگار است یا خیر. در اثنا صحبت زنگ تیلیفون به صدا آمد پوهاند نوبن با داکتر قیوم خان وزیر معارف صحبت را آغاز نمود از خلال صحبت ان معلوم گردید که جلسه فوق العاده در ارگ جمهوری دایر میگردد. داکتر نوبن صحبت را با من قطع نموده گفت: امروز معذرت میخواهم فردا با هم صحبت مینمایم. داکتر نوبن از اطاق خارج شد خدا حافظی کرد. من از

وزارت خارج شدم طرف پارک زرنگار حرکت کردم در راه با نور محمد تره کی روبرو شدم بعد از احوالپرسی به وی تبریک گفتم. منظورم از تبریکی اتحاد خلقی ها و پرچمی ها بود. تره کی گفت: «مننه کوم زمور اتحاد و سوخدای دی و کپری چی دوام و کپری. داخوخلی دی چی اتحاد کیژی خوشمر ببرک داد روسانو گوداگی دغه اتحاد له منغه وری» من به جوابش گفتم. تره کی صاحب اوس شه علت دی چی سره متحد سوی؟

گفت: «خوانه بنه پوهیزی، اخباردی چلولی دی. خان په تگی مه وهه خطر دی خطر. دخطر زنگ وهل سوی دی باید تول روشنفران کارگران او بزگران دارتجاج او موجوده فاسد رژیم په مقابل کی قیام و کپی»  
من گفتم: داخو امکان نلری اوس دقیام وخت نه دی دپو شو محدود و فابریکوپه کارگرانو قیام نه شی کېدای. تره کی گفت: «ته کم عقله بی ستاپوهول مشکل دی رانجه پو شه عقل درته پور کرم» بعد خندید و گفت: «متوجه واوسی دولت زمور خارنه کوی او مور تول دتعقیب لاندی پو»

تره کی برایم گفت: کورته عم تکسی راته کرابه کړه. تکسی را به بیست افغانی تا کارته ۴ کرایه کردم تره کی رفت که رفت و درزندگی باوی دیگر روبرو نشدم. من به دفتر کارم رفتم، بعد از نیم ساعت از مدیریت تحریرات وزارت داخله افسری داخل اطاق شد گفت: وزیر صاحب شما را خواسته است. شما ساعت پنج عصر به اتاق وزیر صاحب تشریف بیاورید افسر رخصت گردید با خود اندیشیدم که سر نوشت آینده این ملت بیچاره و مظلوم چی خواهد شد. مجله جمهوری پلوشه تحت کار بود. مظامین را مطالعه می کردم در بین اثنا جگرن عزیز پسر زلمی خان نایب سالار وارد گردید. از وی احوال پرسی کردم و گفتم. در اردو چی کپ است. وی گفت در اردو وضع متشنج میباشد اما معلوم نیست که علت چیست همه از



حید رسولی ناراضی میباشند وی که چرس کشید باز لحاظ و پاس کسی را ندارد همه را دشنام میدهد. عزیز جان افزود. در اردو زمزمه میکنند که پرچی ها و خلقی ها زیاد شده است. از وی پرسیدم در اردو تعداد پرچی ها زیاد است یا خلقی ها وی گفت: معلوم نیست اما پرچی ها انگشت شمار میباشند اما تعداد خلقی ها شاید زیاد باشد اما آنها علنی نبوده و خود را افشا نکرده اند از وی پرسیدم. شوروی ها به پرچی ها علاقمند اند و در یکی از روزنامه ها شوروی خوانده بودم حزب کمونیست شوروی حزب پرچم را برسمیت می شناسد اگر در کابل کودتا شود شاید قدرت را ببرک کارمل بدست گیرد. یکی از دوستانم که پهلوی من نشسته بود گفت: بلی همینطور است اما پرچی ها خصوصاً کارمل تنها در کابل و پلخمری نفوذ دارد اما خلقی ها در کندهار کابل و پکتیا زیاد میباشند گرچی شوروی ها به خلقی ها چندان علاقه ندارند شاید به حیث وسیله از آنها کار گرفته شود. صحبت ما در درازا کشید و نتیجه صحبت ما آن شد اگر دولت به موقع جلو کودتا را نگیرد اردوی ناراضی با پرچی ها همدست میشوند و دست به فساد بزنند. ساعت پنج عصر به دفتر قدیر وزیر داخله رفتم تا ساعت ۶ انتظار کشیدم قدیر از ارگ جمهوری برنگشت فردا صبح ساعت ۸ ویرا ملاقات کردم. وی گفت: ثبوت شما برای کودتا چیست برای وی تمام دلایل دست داشته را گفتم و خاطرنشان ساختم که ببرک کارمل در سفارت شوروی گفت: که وقت آن رسیده که، نظام کهنه و فرتوت خاندان نادر غدار سرنگون شود. قدیر گفت: بیا ببید که ما و شما جایی رفتنی هستیم. از دفتر بسوی نامعلوم حرکت کردیم که موتر طرف ارگ دور خورد و مستقیماً در میدان قصر گلخانه توقف نمود در قصر گلخانه به دفتر کار سردار محمد داود خان حرکت کردیم از زینه بالا رفتیم در اطاق انتظار نشستیم از اطاق حیدر

رسولی که دوسیه زخمی زیر قولش بود خارج شد بعد از ده دقیقه داخل اطاق کار ریس جمهور شدیم سردار داود بعد از احوالپرسی طرف قدیر نگاه کرد و گفت: بلی موضوع از چی قرار است قدیر به تفصیل همه گذارش را تقدیم کرد و گفت. رهبر بزرگ وقت ضایع میشود: سردار داود طرف من اشاره کرد و گفت: شما چی شنیده اید. من تمام داستان را از منزل شیرزاد تا دعوت سفارت شوروی به تفصیل قصه کردم در اثنای قصه کردن چشمان سردار محمد داود راه میکشید از سیمای رنگ پریده وی علامه شهادت به ملاحظه میرسید. سردار داود به قدیر گفت: شاید، امکان دارد شوروی ها علیه ما کاری بکنند و بیرک نمک حرام به وطن خود خیانت کند. اما اردو و مردم با ماست چیزی کرده نمیتوانند قدیر اصرار کرد که سردار بزرگ اردو از حیدر رسولی ناراضی میباشد باید در فکر اردو باشیم قوای پولیس آماده هر گونه قربانی میباشد اما به نظر من اردو قابل اعتماد نیست رهبر گفت: حوصله کنید برای اردو مستغنی و یا خان محمد خان را انتخاب میکنیم» سردار داود برای من گفت: فرزندم شما را تربیه کردم. تشویق کردم تا به وطن تان به مردم تان خدمت کنید یگانه هدف من و تلاش های من خدمت به مردم و وطنم بوده و هست. شما راه کمونیست ها را تعقیب نکنید. عنقریب قانون مطبوعات اعلان میگردد و به جراید سابق دو باره اجازه نشر داده میشود. درین اثنا زنگ تیلیفون به صدا آمد. سردار محمد داود خان در تیلیفون با سردار محمد نعیم خان صحبت میکرد از خلال صحبت شان معلوم گردید که نعیم خان عزم سفر به امریکا دارد. بعد از صحبت تیلیفونی سردار داود خان گوشی تیلیفون را گذاشته چنین گفت: من وطنم را دوست دارم. من فامیلم را فدای وطن و مردم خود کردم. سلسه شاهی را برای ابد خاتمه دادم. رژیم جمهوری موروثی نبوده بلکه رژیم مردمی و به مردم تعلق دارد. حالا مردم

میدانند و آینده وطنشان من از روی عشق و علاقه که به وطن، خاک خود و مردم خود داشتم رژیم را تغییر دادم. یگانه آرزوی من خدمت به وطن بوده که وطنم از نگاه اقتصاد و فرهنگ و علوم عصری و تکنالوژی پیشرفت نماید و آرزوی دوم من بوجود آمدن يك اردوی مدرن و عصری میباشد و این اردو باید جوابگوی دفع هر نوع خطر باشد و بتواند افغانستان تاریخی و بزرگ را نگاهداری نماید. زبانی که من برای اولین بار صدراعظم شدم و اعلان سفربری نمودم تمام سلاح دست داشته ما کهنه و حتی سلاح ها جری و جوگ نداشت. اما امروز الحمدلله اردوی ما عصری و با تجهیزات عصری و مدرن مجهز میباشد.

در زمان سفربری که سلاح کهنه بدست داشتیم ملت با شهامت افغان به شمول همه اقوام به صدای ما لبیک گفته و به صدها هزار تن در مراکز علیه جنگ با پاکستان جمع شدند این تجمع افغانهای باشهامت منطقه را به لرزه در آورد. پاکستانی ها از صوبه سرحد طرف پنجاب و سند فرار میکردند. در آن زمان دول بزرگ خصوصاً امریکا بر ما فشار آورد تا مسئله پشتونستان از طریق مذاکرات حل گردد امریکای ها وعده ها اقتصادی و نظامی نمودند ماهم خواست امریکا و دول بزرگ را قبول نمودیم، من به امریکا سفر نمودم و رئیس جمهور امریکا هایزن هاور نیز به افغانستان سفر نمود.

وعده ها شد و ماهم تلاش کردیم تا امریکا به افغانستان کمک نماید اما امریکا هیچ چیز نکرد ما را فریب داد.

ما مجبور شدیم جهت پیش برد پلان های اقتصادی کشور و بوجود آمدن يك اردوی منظم و مدرن به شوروی مراجعه کردیم. شوروی ها به وقت و زمانش همه پیشنهاد های ما را قبول کردند. پروژه های اقتصادی روی دست گرفته شد سلاح های مدرن را بدست آوردیم. اما ما انوقت

نیز میدانستیم که شوروی ها روی اهداف خاصی با ما کمک مینمایند و ما هم از موقع استفاده کردیم و با شوروی ها معاهده عدم تعرض بر خاک و عدم مداخله را در امور داخلی هر دو کشور امضا کردیم. فهمیدی خو: حالا شوروی ها پا ها را آهسته آهسته از گلیم خود فراتر دراز مینماید. اگر همین افغانها باشد این پا های دراز شده قطع میگردد. خاک ما و مردم ما تحمل پای درازی هیچکس را ندارد درست است که ما از لحاظ اقتصاد. فرهنگ و علوم عصری ضعیف هستیم. اما همت آزاده و بلند داریم به نان خشک قناعت میکنیم. اما غلامی کسی را قبول کرده نمیتوانیم. اشک در چشمان سردار محمد داود حلقه کرد و گفت: همه تلاش های ما برای وطن و مردم است ما جان خود را فدای وطن میکنیم اما تسلیم نمیشویم بگذارید. نادانان و جوانان کم تجربه مستی کنند. زمانی واقعیت ها را درک میکنند و به اشتباهات خود پی میبرند. کمونیزم درد جوامع را دوا کرده نمیتواند ایدیالوژی و مکاتبی را که ملت هضم کرده نتواند قابل تطبیق نیست. اینوع ایدیالوژی ها خونریزی های وحشتناکی در قبال دارد که جامعه را با بدبختی ها و برپادی مواجه میسازد در افغانستان کمونیزم جاندارد ملت افغان آنرا هضم کرده نمیتواند و من یقین کامل دارم و همه بامن هم عقیده خواهد بود که گلیم کمونیزم در جهان جمع شدنی میباشد. اگر شوروی ها به افغانستان تعرض و مداخله نماید مرکز تباهی کمونیزم افغانستان خواهد بود. سردار محمد داودخان طرف قدیر وزیر داخله رو کرده و گفت: ما و شما باید از احتیاط کار بگیرم گمان نمیکنم که اردو به من بی وفایی کند و خدمات مرا فراموش کند. قدیر گفت: پدر بزرگ اردو امروز ناراضی بنظر میرسد.

تا جایکه من معلومات دارم اردو از حیدر رسولی ناراضی بوده وی

اردو را اداره کرده نمیتواند چنانچه جنرال یونس خان چندین مرتبه درین مورد به حضور رهبر عرض نموده است و شما وعده سپرده بودید که اردو تصفیه و کدر رهبری وزارت دفاع تجدید نظر میشود. سردار محمد داود خان رو به قدیر کرده و گفت: مراقب اوضاع باشید. سفارت شوروی و تمام نمائیدگی های خارجی خصوصاً ممالک روسیالستی تحت نظر و تعقیب گرفته شود. همچنان دستور دهید که منازل ببرک، امین، تره کی و میر اکبر خیبر توسط خفیه پولیس ها تحت مراقبت باشد و اعضاء سفارت شوروی اگر به منازل شان رفت و آمد داشته باشند هویت آنها تثبیت و



نور محمد تره کی و ببرک کارمل طراحان کودتای ۷ ثور

تحت تعقیب باشند سردار محمد داود گفت بزرگترین اشتباه را که مرتکب شدیم مسدود ساختن مطبوعات آزاد بود در مورد آزادی بیان خصوصاً مطبوعات آزاد باید عجلوانه اقدام شود. سردار محمد داود برای من هدایت داد که با دکتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور در تماس شوم تا راه برای نشر جراید آزاد سراغ گردد و قانون مطبوعات هر چه زودتر تدوین گردد. من به جواب سردار داود خان گفتم تدوین قانون مطبوعات زمانی زیادی بکار دارد فعلاً اگر مطابق قانون مطبوعات گذشته البته با

تعدیلات بعضی از مواد اجازه نشر جراید آزاد داده شود بهتر خواهد بود سردار داود گفت: فعلاً به جریده گه‌یخ، خبیر، پکتیکا، افغان ملت، افغان و روزگار اجازه داده میتوانیم در مورد جراید دیگر بعد تصمیم گرفته خواهد شد. سردار داود مرا مرخص نمود و قدیر وزیر داخله نزد سردار باقی ماند. من در اطاق انتظار نشستم قدیر خان بعد از نیم ساعت از اطاق کار رئیس جمهور خارج گردید با هم ارگ را ترك گفتیم.

قدیر گفت: شما با امین در تماس شوید امین علاوه بر آن که کمونست دو آتشه است اما نسبت به کارمل و دیگر پرچی ها احساس وطنپرستی را دارد و نشنلیست هم است گمان نمیکنم که وی زیر دهل شوروی ها بر قصد.

قدیر افزود. قادر یکی از خائنین بزرگ است هر قدر تلاش میکنم که ذهنیت سردار داود را علیه وی تغیر دهم که وی از قوای هوایی دور شود سردار صاحب قبول نمیکند من یقین کامل دارم که مصیبتی از قوای زرهدار و قوای هوایی متصور است پرچی ها و خلقی ها در همین دو مرکز لانه کرده اند. من برای قدیر گفتم شما چرا از کتاب راجستر که نزد ... موجود است استفاده نمیکنید در آن کتاب شهرت مکمله تمام کمونیست ها ثبت میباشد. قدیر خان گفت: ما هم اسنادی داریم ما منتظر امرگرفتاری کمونست ها میباشیم ما میتوانیم در ظرف ۴۸ ساعت تمام شانرا گرفتار کنیم. تعدادی از خلقی ها و پرچی ها نیز حاضر شده اند با ما همکاری و لپست مکمل پرچی ها را ترتیب و بدسترس ما قرار دهند آنها اگر اندک حرکت کنند ما تمام شانرا دستگیر مینمایم اما البته در ولایات يك اندازه وقت بکار دارد. جاسوس کا، جی. بی. که نزد ما موجود است متاسفانه در مورد سوء قصد شوروی ها معلوماتی ندارد. من برای قدیر وزیر داخله گفتم: يك تعداد مردم از رژیم موجوده ناراضی

میباشند اشخاص کار فهم با تجربه از صحنه دور شدند و يك تعداد مغز ها دارند از وطن فرار کنند که این همه زمینه را برای حرکات ضد رژیم موجوده و همکاری با کمونیست ها مساعد میسازد و من یقین کامل دارم دارو دسته میوند وال و دیگر سازمان های سیاسی نیز با کمونست ها همکاری خواهد نمود. و یگانه بدبختی بزرگی که کشور را با خطر بزرگی مواجه میسازد سیستم يك حزبی و انحصار قدرت بدست يك حزب میباشد برای سرنگونی این سیستم سیاسی یا رژیم سیاسی شده میتواند که همه احزاب و سازمان های سیاسی متحد شوند. و چنین يك حرکت فعلاً محسوس است.

قدیر گفت: در این مورد تصمیم گرفته میشود و صحبت های زیادی هم شده و درین مورد دقیقاً افکار عامه مطالعه گردیده است واقعاً نارضایت ها موجود میباشد. فکر میشود که بعداً سیستم دو حزبی اعلان گردد و در قانون اساسی نیز بعضی تعدیلات وارد گردد بلی با آزادی مطبوعات همه چیز ها درست میشود. من از قدیر خان پرسیدم: اگر در افغانستان کودتا سرو صورت گیرد و شوروی ها بر خاک ما هجوم کنند آیا دولت از کدام کشور خارجی کمک نظامی را تقاضا خواهد نمود آیا از امریکا یا پاکستان.

قدیر خان گفت: غرور افغانی ما ایجاب نمیکند که از پاکستان کمک نظامی خواسته شود. امریکا نیز چندان علاقمند افغانستان نمیباشد اگر شوروی ها تجاوز کند خود ملت افغان این تجاوز را دفع کرده میتواند چنانچه در طول تاریخ به تجاوزات خارجی ها خود افغان ها جواب داده اند ما فکر نمیکنیم نظر به معاهده ای که بین دولت افغانستان و اتحاد شوروی عقد گردیده شوروی هاز این معاهده عدول نمایند و بر خاک ما تجاوز نمایند.

من گفتم: در زمان ظاهر شاه یاد داشتی ضمیمه يك نقشه به اداره جریده پکتیکا ارسال گردیده بود. درین نقشه نقاطی که باید از طرف امریکا مورد حملات اتمی قرار گیرد نشانی شده بود. که درین نقاط ایران و افغانستان نیز شامل بود.

بعد چنین یادداشتی مواصلت گردید که گویا اتحاد شوروی میخواهد بر خاک افغانستان تجاوز نماید و از طریق افغانستان و پاکستان خود را به آب های گرم نزدیک سازد.

ما فکر میکردیم که یاد داشت ها از سفارت امریکا و اتحاد شوروی علیه يك دیگر به جراید ملی ارسال گردیده است. اما حالا فکر میشود که یاد داشت دومی یعنی تجاوز شوروی به افغانستان شاید صحت پیدا کند.

قدیر خان گفت: من فکر نمیکم که شوروی به چنین نام بدی تاریخی خود را رو برو کند. اما امکان به راه انداختن کودتا میرود. ما متوجه این خطر هستیم و فکر نمیکم که اردو به چنین جنایت دست زند. کودتا و از بین رفتن رژیم موجوده یعنی برپادی افغانستان میباشد. گمان نمیکم در آینده چنین شخصیتی پیدا شود که ملت افغان بدور آن جمع شود و وحدت ملی را بوجود آورده بتوانند و خطر بزرگی که ما را تهدید میکند همسایگان ما میباشد.

همسایگان قابو میدهند که چه وقت در افغانستان چنین وضعی بوجود آید که زمینه مداخله آنها مساعد گردد. خصوصاً پاکستان. آنهم برای از بین بردن موضوع آینده خط دیورند. اعتبار معاهده دیورند شاید چند سال بعد از بین برود. اعتبار این معاهده تا يك قرن میباشد بعد از يك قرن از اعتبار ساقط میشود و آن وقتی است که خاک های از دست رفته دو باره به افغانستان تعلق میگردد. ازینرو پاکستان میخواهد در



افغانستان چنین رژیمی بوجود آید که مخالف پشتونستان و خط دیورنا باشد.

من به قدیر خان گفتم: آیا در آینده موسی شفیق و یا میوند وال اگر حیات میداشت زعیم شده میتوانستند.

وی گفت: میوندوال یک شخصیت خوب سیاسی بود. اما متاسفانه که میوندوال دست به اشتباهاتی زد که باعث مرگ وی گردید. ما نمیخواستیم که میوندوال کشته شود اما ویرا پرچی ها کشتند و صمد اظهار بالت و کوب وی را از بین برد. بعد از دو روز که وی فوت گردیده بود اطلاع حاصل کردیم که وی شهید شده است بلی موسی شفیق، پژواک، عبدالحکیم طیبی، داکتر ظاهر، علی احمد پوپل، نور احمد اعتمادی میتوانند زعیم آینده شوند. اما از همه اردو مهم است. اگر احزاب چپ در اردو نفوذ کنند نه از زعیم ها چیزی ساخته میشود و نه مردم چیزی کرده میتوانند.

قدیر وزیر داخله داخل اطاق کار خودگردید من مرخص شدم. و طرف منزل گل احمد فرید رفتم تا از طریق وی که هم صنفی امین میباشد با امین ملاقات نمایم. زمانی که داخل منزل فرید شدم روی تصادف امین را انجا با فرید سر گرم نوشیدن.... بودند بعد از احوال پرسی امین از دیدن من خیلی اظهار خرسندی کرد. و با من گرم گرفت در اثنای صحبت دست من را فشار داده و آهسته گفت: دوست من، عزیز من یک سند نزدت موجود میباشد اگر این سند را یکبار دیده بتوانم نمون احسانت خواهم بود من به جوابش گفتم: کدام سند: وی گفت: بچه کاکا خود را تیر نکنید. خوب فکر کنید، چرت بزنید. و مقصد من از آن سندی است که از ارگ شاهی بدست آورده آید.

من دست و پاچه شدم و قاطع جوابش دادم که نزد من کدام سندی مهم

که از ارگ بدست آورده باشم موجود نیست.

وی گفت: خیر پروانیست بعداً دزین مورد صحبت میکنیم.

«خوانندگان گرامی! در واقعیت امر این سند نزد من موجود بود و حافظ نور محمد خان کهگدای سر منشی حضور به من داده بود که در متن سند چنین آمده نور محمد تره کی ماهانه مبلغ شش هزار افغانی از دارالتحریر شاهی بدست می آورد.

اما اینکه از چه مدرک معلوم نبود نورمحمد تره کی دارلترجمه ای بنام نور داشت امکان دارد آن مبلغ از درک ترجمه بعضی از مکاتب یا کتب بدست می آورد یا اینکه کدام مدرکی دیگری دربین بوده باشد. این سند زمانیکه من در زمان امین و تره کی زندانی شدم بدست امین افتید و من از زندان رها شدم.

حالا بر میگردیم به اصل موضوع در منزل فرید چون موضوع سند تره کی موضوع بحث شد و من به امین جواب رد دادم. امین چرت زده طرفم نگاه میکرد.

گل احمد فرید کمی نیشه شده بود و امین هم از حالت عادی نسبتاً خارج شده بود موقع خوبی بود که از آنها راز کودتا را بدست آورم. من به گل احمد فرید گفتم، جناب رئیس صاحب! شما از طبقه متوسط دفاع میکردید و امین صاحب هم از کارگران و دهقانان دفاع میکند چطور باهم جور آمده آید؟!

فرید گفت: من تغیر عقیده داده ام در کشور ما به جز سوسیالیزم دیگر ایدیالوژی ها ذرد مردم را دوا کرده نمیتواند.

من گفتم: در افغانستان فعلاً سیستم نیمه فیودالی موجود است چطور سوسیالیزم پیاده شده میتواند و نظر به ادعای شما کمونیست ها تارسیدن به کمونیزم باید چندین مرحله را طی کرد.

امین در جواب گفت: ما میتوانیم بدون طی مراحل و انقلاب جامعه خود را طرف سوسیالیزم سوق دهیم.

من گفتم: چطور؟ وی گفت: توسط مداخله نظامی و به راه انداختن کودتا و توسط کودتا تغییر رژیم.

من گفتم: آین را شما فکر میکنید یا شوروی ها هم با شما هم عقیده میباشد.

امین با خنده جواب داد و گفت: ما افغانها از خود خصوصیتی داریم هر طور که دل ما خواست انطور میکنیم. ما نمیتوانیم مطلق از دیگران پیروی کنیم یا دستور بگیریم.

من گفتم: بیرک کارمل که با شما متحد شده است آیا وی با شما هم عقیده خواهد بود.

وی گفت: بیرک خو اصلاً افغان نیست وی در اصل پنجابی بوده و کواسه ظاهر پهلوان پنجابی میباشد که از هند به پنجشیر و بعد در کمری جایگزین گردید. وی به درد مردم و ملت نمیخورد وی مطلق یک اجنت میباشد اما از کارمل میتوانیم به حیث یک وسیله کار بگیریم. کارمل مورد اعتماد شوروی ها بوده و فرکسیون پرچم نزد آنها رسمیت دارد. با جناح خلق شوروی ها چندان علاقمند نمیشاند. و اتحاد ما روی یک مجبورت صورت گرفته است. و ما جهت تطبیق پلان های بعدی که نزد ما موجود میباشد با پرچی ها متحد میشویم.

من گفتم: پلان های بعدی شما چه خواهد بود.

امین گفت: یگانه هدف ما در افغانستان پیاده کردن سوسیالیزم و از بین بردن رژیم فرسوده شاهی میباشد.

من گفتم: رژیم شاهی فعلاً وجود ندارد. رژیم موجوده یا نظام موجوده کاملاً جمهوری بوده و رژیم شاهی با رژیم جمهوری کاملاً فرق دارد. وی گفت: هیچ فرقی ندارد. تا زمانیکه خاندان سلطنتی وجود

داشته باشد. قدرت بدست آنها خواهد بود. اگر داود خان فرسوده شود باز هم اگر اعضای خاندانی خود را کاندید ریاست جمهوری کند برد به آنهاست. اگر قانون اساسی تغییر کند و سیستم يك حزبی از بین رود انتخاب رئیس جمهور از طریق انتخابات آزاد صورت گیرد امکان دارد که قدرت از خاندان سلطنتی به مردم تعلق گیرد و تا زمانیکه سیستم يك حزبی وجود داشته باشد امکان ندارد که از نفوذ خاندان شاهی کاسته شود. گل احمد فرید در خلال صحبت مداخله کرده و گفت: ما باید گلیم



بیرک کارمل، نور محمد تره کس و میر اکبر خیبر بعد از اعیان وحدت در بین همزمان شان

خاندان شاهی را جمع کنیم. ما باید در اردو نفوذ کنیم تا از طریق اردو به خاندن شاهی خاتمه داده شود. گل احمد فرید و حفیظ الله امین خوب نیشه شده بودند و من از صحبت های شان یادداشت بر میداشتم. مجلس تا ساعت ۷/۳ شب ادامه پیدا کرد. بعد از چند لحظه يك دگروال داخل اطاق شد فکر میکنم که وی تپون بوده باشد دگروال به حفیظ الله امین گفت که سردار محمد داود به ریاست مصونیت ملی هدایت داده است که



از تمام ولایات لیست پرچمی ها و خلقی ها ترتیب و عاجلاً به مرکز ارسال گردد. وی گفت در گردیز و خوست از طرف لوی ولسوالی خوست محمد ولی خان لیست تمام خلقی ها ترتیب شده و به ریاست جمهوری تسلیم داده شده است.

حفیظ الله امین گفت: را پور باید دقیق باشد.

دگروال گفت: ما دقیقاً از دفتر خاص رئیس جمهور اطلاع حاصل کرده ایم. دگروال به سخنان خود ادامه داده گفت که يك لیست دیگری از طرف يك تعداد پرچمی ها نیز به ریاست مصونیت ملی صدارت عظمی تسلیم داده شده است. حفیظ الله امین به دگروال گفت: در مورد شاپور احمد زی چه اطلاعی دارید وی گفت: وی قابل اطمینان بوده و در فرکسیون پرچم جذب شده است و به نواب دستور داده شده که در مورد وی دقیقاً مطالعه نماید. دگروال به حفیظ الله امین گفت: حکومت منازل بودو باش اعضای بلند پایه حزب را تثبیت و همه تحت تعقیب میباشند امین گفت: بلی چنین اطلاع به من نیز رسیده است ما و شما باید دقیقاً دستگاه پولیس را تحت مراقبت داشته باشیم. قدیر وزیر داخله سر سخت ترین دشمن حزب بوده و در نظر دارد وزارت داخله را از وجود پرچمی ها و خلقی پاک نماید. اگر تصفیه ادامه پیدا کند ما و شما با مشکلات بزرگی مواجه خواهیم شد.

دگروال گفت: شب گذشته میر اکبر خیبر در نزدیکی منزل قدیر دیده شده است فکر میشود که با قدیر ملاقات کرده باشد پرچمی ها نیز در مورد خیبر شك بر شده اند.

حفیظ الله امین گفت: امکان دارد، میر اکبر خیبر مخالف انقلاب بوده وی طرفدار آن نیست که چپی ها از راه کودتا با مداخله نظامی قدرت دولتی را بدست آورند اگر ما راه لینن یا میر اکبر خیبر را تعقیب

کنیم پنجاه سال دیگر بکار است تا جامعه ما از حالت موجوده نیمه فیودالی خارج شود و داخل مرحله کاپیتالیزم گردد در شرایط موجوده برای بدست آوردن قدرت دولتی یگانه راه کوتاه کودتا و مداخله نظامی میباشد.

دگروال گفت: ما خلقی ها در اردو نیرو داریم اما تعداد پرچی ها نا چیز میباشد اما خارج از اردو در دوایر ملکی تعداد پرچی هانسیباً زیاد میباشد اما پرچی ها قابل اعتماد نیستند.

حفیظ الله امین گفت: بلی واقعاً همینطور است رهبر آن ها ببرک کارمل زمانیکه در اتحادیه محصلین بود به داود خان راپور میداد زمانیکه محمودی و غبار زندانی شدند ببرک نیز زندانی شد اما بعد از مدت کوتاه ببرک از زندان خارج گردید. شواهد و اسنادی زیادی موجود است که ببرک کارمل به دربار راه داشته و به اساس راپور های وی تعدادی از وطنپرستان زندانی شدند. در زمان تظاهرات محمودی و غبار در مقابل ارگ ببرک گلو خودرا پاره میکرد و علیه هیأت حاکمه شعار میداد. و کسانی که هیچ در آن صحنه موجود نبودند زندانی و مدت ها در زندان باقی ماندند اما ببرک بعد از مدت کوتا از زندان رها گردید. بلی موضوع اعتماد مهم است ما و شما باید تمام پرچی هارا تحت تعقیب داشته باشیم همینطور که پولیس ما را تعقیب مینماید ما و شما باید پرچی ها را تحت نظر داشته باشیم. من قاطعانه میگویم که بعضی از اعضای پرچم قابل اعتماد نیست. اما اینکه شوروی ها قول داد اند که آنها ایماناً با شماست قبول میکنیم اما اینکه چه میشود انتظار آنرا داریم.

ساعت ۹ر۵ بجه شب بود مجلس خوب گرم شد، امین مستی میکرد. و به دگروال گفت: اگر قدرت را بدست آوردیم دو چیز عمده را باید

فراموش نکنیم یکی احیای افغانستان بزرگ تا کشمیر دویم نیست و نابود کردن دولت نام نهاد پاکستان و این دو موضوع از آرزو هایم میباشد. ما خطر بزرگی را از همسایه گان خود در پیشرو داریم اگر موقع مساعد گردد اولین ضربه که بر ما وارد میشود از همسایه گان میباشد. خصوصاً پاکستان در تلاش است تا افغانستان ضعیف شود و دیگر از خط دیورند و پشتونستان یادی نکند. دگروال گفت: آیا این آرزو شما را حزب قبول کرده میتواند امین گفت: حزب قبول نمیکند اما بر حزب می قبولانیم.

گل احمد فرید گفت: آیا ببرک هم فکر شما خواهد بود. امین گفت: ببرک تا آن زمان وجود نخواهد داشت. ببرک را که من میشناسم وی افغانستان را دو دسته تقسیم شوروی میکند اما غرور ملی ما ایجاب نمیکند که ما غلام دیگران باشیم درست است که ما هم کمونیزم را میخواهیم اما آزادی و استقلالیت خود را از همه چیز بلند تر میدانیم.

به هر حال هر وقت قدرت بدست ما رسید شرایط و زمان را در نظر گرفته تصمیم میگیریم. حالا هر چیز که گفته شود پیش از وقت است. گل احمد فرید گفت: همین اکنون باید همه کارها روی یک پلان پیش برده شود. امین گفت: بلی راست است من کاملاً با شما همفکر و هم عقیده میباشم پلان ها در نظر گرفته شده است و درین مورد کار جریان دارد اما امروز داود خان و دولت کاملاً علیه شوروی قرار دارد و امکان دارد عنقریب مناسبات سیاسی شوروی و افغانستان بر هم خورده شود سیاست ایران، عربستان سعودی، مصر و امریکا در مورد افغانستان نیز تغییر نموده است و داود خان همان داود خان قبلی نیست. داود خان کنون کاملاً علیه شوروی قرار دارد. رضا شاه پهلوی و عربستان سعودی تلاش دارند. که در سیاست افغانستان تغییر بزرگی وارد گردد

عربستان سعودی و ایران به ملیون ها دالر کمک را به افغانستان قبول کرده اند کار سروی خط آهن که تمام مصارف آنرا ایران بدوش گرفته به شدت ادامه دارد مناسبات پاکستان و افغانستان کاملاً حسنه گردیده. این همه تلاش ها روی يك پلان سازمان دهی گردیده است طوری که ما راپوری از ریاست جمهوری بدست آورده ایم امریکایی ها حاضر گردیده که افغانستان را کمک نظامی نماید. بعد از برگشت سردار داود از ایران و عربستان سعودی ما دانستیم که داود خان همان داود خان سابق نیست طوری که در بیانیه خود به صراحت گفت که ایدیالوژی های وارد شده درد ما را دوا کرده نمیتواند. مقصد داود خان از ایدیالوژی وارد شده کمونیزم بوده که توسط ما پیش برده میشود فعلاً در افغانستان کدام ایدیالوژی مشخصی دیگری وجود ندارد به جز ایدیالوژی سوسیالیست ها.

- گل احمد فرید گفت: دموکرات نوین (شعله جاوید) از هم پاشیده شد
- دموکرات مترقی (پیروان مکتب میوندوال) از بین رفته است سوسیال دموکرات ها انقدر قوی نمیشدند. ما هواخواهان طبقه متوسط هم خود را از بین بردیم. امروز با دو قدرت بزرگ روبرو هستیم یکی قدرت سلطنتی که ریشه عمیق قومی را دارد. دوم قدرت بزرگی اگر متشکل شوند هواخواهان مکتب اخوانیزم میباشد چون جامعه ما کاملاً مسلمان و مذهبی میباشد زود راه اخوانیزم را تعقیب مینماید. جلو هر چیز گرفته میشود اما جلو احساسات مذهبی و ملی گرفته نمیشود.

حفیظ الله امین گفت: این دو احساس واقعاً قابل اندیشه میباشد. جامعه ما يك جامعه مذهبی است. باید از احتیاط کارگرفته شود. و يك موضوع دیگری که قابل یاد آوری میباشد اینست که به زور نمیشود ما سوسیالیزم را بر قوم لوج افغان تحمیل کنیم. ایران در مدت کوتاه مسلمان گردید اما افغانستانی ها دو صد سال علیه عرب ها جنگیدند



و مقاومت کردند. اگر ما سوسیالیزم را بر افغانها تحمیل کنیم باید چندین دهه علیه این قوم ازاده جنگید. یعنی تمام وقت ما در جنگ و خونریزی میگذرد. پس ما میتوانیم از طریق کودتا قدرت را بدست آوریم اما به زور و شدت نمیتوانیم ایدیا لوژی خود را بر مردم تحمیل کنیم در مورد اخوانیزم باید گفت: که ما میتوانیم اخوانیزم را در افغانستان خفه کنیم آن هم در انصورت عملی شده میتواند که به آنها از خارج کمک نگرود. اگر کمک نگرديد ما پلان اتاتورک را بر آنها تطبیق مینماییم در غیر آن درد سری بزرگی را ایجاد میکند.

حفیظ الله امین بادیدن ساعت از گل احمد فرید خواست که مجلس را خاتمه دهد. و طرف منزل خود برود. ما سه تن از منزل فرید خارج شدیم امین با جگرن طرف خوشحالمینه رفت و من طرف ده بوری به منزل خود رفتم.

فردا ساعت ۸ قبل از ظهر طرف وزارت داخله رفتم تا قدیر را ملاقات نمایم. قدیر خان ساعت ۹ به دفترش با پیشانی ترش و رزنگ پریده وارد گردید و مستقیماً داخل اتاق کارش شد. بعد از سپری شدن چند دقیقه مرا به ملاقات پذیرفت. به قدیر جریان شب گذشته را مفصلاً بیان کردم. قدیر خان گفت: صد فیصد برایم ثابت گردیده که کودتا شدنی است اما نمیدانم چطور رهبر را قانع سازم. من میدانم که حیدر رسولی با کله کوچک و پر از گاه خود همه ما را به تباهی میکشاند. در اثنای صحبت کردن زنگ تیلیفون به صدا آمد قدیر گوشی را برداشته با محمد ولی لوی ولسوال خوست صحبت را آغاز نمود و دستورش داد که عاجلاً به کابل بیاید. و تاکید کرد که در ظرف چهار ساعت خود را به مرکز برساند.

قدیر بعد از چند لحظه سکوت گفت: به ریاست مصونیت ملی نیز از

طرف بعضی از پرچمی ها راپور کودتا داده شده است کودتا شدنی است اما چی باید کرد. چطور جلو آن گرفته شود. اشتباهات بزرگی شده است واقعاً افسران کار ازموده اردو را از دست داده ایم. امروز سرنوشت وزارت دفاع به دست چرسولا میباشد. حیف خان محمد خان حیف فاروق خان و حیف حیف جنرال مستغنی. به هر حال درکشتی شکسته قرار داریم باید کشتی را نجات دهیم. اگر صلاحیت میداشتم همین امروز همه کمونیست ها را گرفتار و از تیغ میکشیدم بازهر چه شده بود میشد. قدیر خان به من گفت: از شما خواهش میکنم تا با میر اکبر خیبر در تماس شوید که وی چه میگوید آیا او نیز خواهان کودتا میباشد یا اینکه با پلان امین و کی. جی. بی مخالف میباشد.

من از دفتر کار قدیر خارج شدم و طرف پارك زرنگار حرکت کردم در اتاق کارم دو تن از محصلین پوهنتون انتظار مرا داشتند بعد از احوال پرسی مضامین آورده شده را گرفتم و به آنها اطمینان دادم که مطالب شان در مجله جمهوری پلوشه به نشر میرسد.

از آنها پرسیدم که من با استاد میر اکبر خیبر کار دارم چطور وی را پیدا کرده میتوانم یکی از آنها گفت استاد خیبر همین حالا در مکرویان با بېرك کارمل قدم میزند. محصلین که از جناح پرچم بودند رخصت شدند. من با عجله طرف مکروریان حرکت کردم روی تصادف میر اکبر خیبر در نزدیکی هتل آریانا بامن رو برو گردید. من از بایسیکل پایان شدم و با استاد داخل صحبت شدم. واز استاد گله کردم که با من همکاری قلمی نمیکند. وی گفت: مصروفیت من زیاد است وقت نوشتن مطالب ادبی را ندارم. در خلال صحبت ها از استاد پرسیدم که وضع موجوده سیاسی را چطور ارزیابی میکنیدو بېرك کارمل در یکی از دعوت های سفارت شوروی. که خیلی نیشه شده بود گفت: که ما رژیم

موجوده را سرنگون میسازیم نظر شما درین مورد چیست. و شما همیشه میگفتید که ما مبارزه پارلمانی را تعقیب مینماییم و حالا از مبارزه پارلمانی به کودتای نظامی تغییر جهت داده اید؟

وی گفت: نه هرگز من طرفدار کودتا نمیباشم فعلاً مبارزه پارلمانی و بعداً انقلاب سوسیالیستی. ما طرفداران سوسیالیزم باید از چوکات و اصول دست داشته خود خارج نشویم در افغانستان فعلاً سیستم نیمه فیودالی بر قرار میباشد و جامعه مایک جامعه مذهبی بوده و نود پنج فیصد بی سواد داریم صنعت وجود ندارد. سیستم زراعتی ما به شکل بدوی بوده انقلاب را باید کارگران دهقانان براه اندازد. من طرفدار کودتا های نظامی نمیباشم. اگر کودتای نظامی صورت بگیرد و ما قدرت سیاسی را بدست بگیرد بازهم پنجاه سال بکار است که کشور ما به مرحله سوسیالیستی نزدیک شود. اما بهتر است که حوصله کرد و جامعه ما مراحل طبیعی تکامل خود را طی کند.

من گفتم: شما همینطور فکر میکنید آیا ببرک کارمل با شما هم عقیده است. وی گفت: ببرک کارمل اگر به سوسیالیزم ایمان داشته باشد و واقعاً میخواهد در افغانستان راه را به سوسیالیزم باز کند. از همه اولتر اختلافات درونی حزب را از بین ببرد، وی را همه میشناسند وی مطلق یک اجنت است و میخواهد افغانستان را دو دسته تقدیم روس ها نماید.

من گفتم: در شرایط موجود وحدت حزب بوجود آمده است و دو جناح قوی با هم یکی شده اند آیا این وحدت دوام خواهد کرد یا روی یک پلان طرح شده سازمان دهی شده است. خیبر گفت: همه موقتی بوده این وحدت را دیگران بر ما تحمیل نموده اند اگر همین کارمل و کشتمند باشد هرگز وحدت دایمی و بنیادی بوجود آمده نمیتواند. اما یک چیز را باید در

نظر بگیریم که اخوانی ها در تلاش اند تا کودتا نمایند قتل خرم وزیر پلان و دستگیری مرجان قاتل و اعترافات وی ثابت میسازد که اخوانی ها در فکر کودتا میباشند این خطر بزرگی به ما میباشد که باید دفع شود.

به استاد گفتم: ایا حفیظ الله امین به این وحدت وفادار خواهد بود. وی گفت: امین تشنه قدرت است. اگر قدرت را بدست آورد همه چیز را فدای خواسته های قدرت طلبی خود میکند. من فکر نمیکنم که وی با سوسیالیزم وفادار باشد. وی از سوسیالیزم حرف میزند اما میلان زیاد به ناسیونالیزم دارد.

در حصه هوتل سپین زر با وی خدا حافظی کردم و به دفتر برگشتم و از صحبت خود با میر اکبر چنین نتیجه گرفتم که موضوع کودتا به همه اعضا حزب افشا نشده هر چی هست بین امین و بیرک کارمل میباشد و میراکبر خیبر اصلاً ازین پلان شوم کا.جی. بی آگاهی ندارد. اما از کودتا اخوانی ها هراسی دارد. از دفتر به قدیر وزیر داخله تیلفون کردم سکرتر وی گفت که وی به ارگ رفته است. فردا ساعت هشت و نیم به دفتر کار قدیر مراجعه کردم در دفتر کارش محمد ولی خان لوی ولسوال خوست نیز حضور داشت وی مقابل کمونیست ها سخت حساسیت داشت و دشمن درجه يك خلقی ها و پرچی ها بود زمانیکه کودتای هفت ثور صورت گرفت وی را خلقی ها بروز دوم در خوست به شهادت رسانیدند.

من با محمد ولی خان داخل مذاکره شدم و گفتم: با مصیبت بزرگی روبرو میباشیم، این مصیبت بزرگ اینست که پرچی ها و خلقی ها میخواهند کودتا کنند.

محمد ولی خان گفت: برادر چند مراتبه به داود خان گفتم، لست مکمل آنها را باخود آوردم اما حیدر رسولی به داود خان گفت که مردم

ذهنیت شما را مغشوش میسازند. هیچ گپ نیست. اردو به تمام معنی طرفدار و وفادار رهبر مییابد و هر نوع خطر را برق اسا دفع میسازد. در اثنای صحبت سکرتر قدیر از اتاق قدیر خان خارج گردید و گفت وزیر صاحب انتظار شما را دارند من و محمد ولی خان داخل اتاق کار وزیر شدیم.

بعد از داخل شدن به اتاق وزیر داخله مرحوم محمد ولی خان از وزیر در مورد احضار عاجل خویش سوال نمود.

قدیر خان وزیر داخله گفت: لوی ولسوال صاحب طوریکه اطلاعات میرساند در لوی ولسوالی خوست پرچمی ها و خلقی ها فعالیت دارند جناب شما قبلاً درین مورد با رهبر صحبت نموده بودید اما صحبت های شما کدام نتیجه نداد. راپور شما کاملاً درست و مورد تأیید ماست اما قانع کردن رهبر مشکلاتی زیادی را ایجاد نموده است خصوصاً موجودیت حیدر رسولی که رهبری قوای نظامی بدست وی است ما را با مشکلات زیادی مواجه ساخته است وزارت داخله نمیتواند از داخل اردو از فعالیت های کمونیست ها اطلاعات درست و موثق را بدست آورد. اما ما و شما همه میدانیم که خلقی ها بر اردو مسلط شده اند و از وضع چنین بر میآید که کمونیست ها پلان کودتا را علیه رژیم موجوده دارند و ریاست مصئونیت صدارت عظمی نیز راپور های واصله را مورد تأیید قرار داده اند، ما و شما باید از وقت استفاده کنیم و به هر وسیله که میشود رهبر را قناعت بدهیم که کمونیست ها پلان کودتا را طرح کرده اند، رفت و آمد پرچمی ها به سفارت شوروی نسبت به گذشته بیشتر شده است. شوروی ها دعوت ها را نیز افزایش داده و درین دعوت ها از جناح پرچم سهم بیشتری دارند.

محمد ولی خان گفت: من بارها به سردار صاحب گفته ام که پرچمی

ها و خلقی ها وطن را بر باد میکنند و کنون علنی به فعالیت خود ادامه میدهند. من يك روز به سردار صاحب موضوع را جدی مطرح کردم اما حیدر رسولی بالای من قهر شده و گفت: شما ذهنیت رهبر را مغشوش میسازید هیچ قدرت و نیروی نیست که رژیم موجوده را سرنگون سازد. من بارها موضوع را با عبداللّه معاون رئیس جمهور و وحید عبداللّه مسئول وزارت خارجه مطرح کردم آنها نیز خطر را احساس کرده اند. و حرف ها مارا مورد تأیید قرار داده اند اما نمیدانم که حیدر رسولی رهبر را جادو کرده یا کدام سری دیگری در کار است. محمد ولی ادامه داده گفت: من بارها به سردار صاحب گفته ام که جلالر وزیر تجارت جاسوس روس ها بوده وی را از خود دور کند من یقین کامل دارم که روس ها از مذاکرات رئیس جمهور با شاه ایران و سران عربستان سعودی کاملاً آگاهی دارند. چرا که در همه مجالس و عقد پرتوکول ها محمد خان جالر اشتراك داشت و این جاسوس معلوم الحال به یقین که راپور همه مذاکرات و عقد پرتوکول ها را به شوروی ها داده است.

قدیر خان گفت: زمانیکه رئیس جمهور به ایران و عربستان سعودی سفر میکرد وحید عبداللّه با اشتراك جلالر در ین سفر مخالفت شدید داشت. اما چه کنیم که مرغ سردار صاحب یگان دفعه يك لنگه میشود. محمد ولی خان گفت: جناب وزیر صاحب این همه مسئولیت بدوش شما بوده و شما مسئول امنیت کشور میباشید شما باید رهبر را قانع سازید تا جلو همچو بدبختی ها گرفته شود.

قدیر خان گفت: بلی درست است از همه اولتر باید حیدر رسولی از وزارت دفاع دور شود. در راس وزارت دفاع باید یکی از جنرال های ورزیده و وطنپرست قرار داشته باشد از دو جنرال باید یکی را انتخاب کرد. یا خان محمد خان یا مستغنی را.

محمد ولی خان گفت: صدیق سیاه و یونس خان نسبتاً جوان اند و با انرژی میباشند باز هم چیزی گفته نمیتوانم تا زمانیکه مرغ رهبر يك لنگه باشد ما چیزی کرده نمیتوانیم. قدیر خان رو بطرف من کرد و گفت: شما يك ژورنالیست سابقه دار چه نظر دارید. من گفتم: من با شما هم نظر میباشم اما به نظر من باید از همه اولتر جلو کودتای کی. جی. بی گرفته شود و عاجلاً خنثی گردد بعد از رفع این خطر باید متوجه ایران و پاکستان باشیم روزی این دو کشور نیز بلای بر سر ما نازل کردنی هستند این دو کشور که فعلاً خاموش اند اما در آینده پلان های شومی در پیش دارند متوجه آنها هم باید بود اما فعلاً شوروی که بزرگترین خطر را متوجه ما ساخته است باید با تمام قدرت این خطر بزرگ را دفع کرد. قدیر خان گفت: جواب ایران و پاکستان داده میشود و فعلاً آنها دست دوستی را طرف ما دراز کرده اند فعلاً کدام خطری وجود ندارد اما جواب ما رافعی باید داده شود. من گفتم: درست است فعلاً دوست اند.

اگر در افغانستان کودتا یا کدام حادثه دیگری رخ دهد. همسایگان ما مداخله میکنند طوری که در طول تاریخ مداخله ها خصوصاً در مواقع حساس صورت گرفته است اگر کمونیست ها کودتا کنند. دوام نخواهد کرد اما مداخله ایران و پاکستان افغانستان را پارچه پارچه کرده و کشور ما را مانند شهر غلغله بامیان با نیستی و بربادی مواجه خواهند ساخت. ما باید فریب دوستی آنها را نخوریم دوستی آنها به منافع آنها میچرخد. در طول تاریخ پنجهزار ساله ما همسایگان به دوستی خود وفا نکرده اند در آینده باید توقع دوستی را از آنها نیز نداشته باشیم.

قدیر خان گفت: هر قدر صحبت را دوام دهیم رنج ها زیاد میشود.

بهتر است با عبداللہ معاون رئیس جمهور ملاقات کرد و جمعاً با رهبر در تماس شویم و تمام اسناد و راپور هارا به حضور شان تقدیم کنیم.

قدیر وزیر داخله به معاون رئیس جمهور زنگ زد و وقت ملاقات خواسته شد. ساعت ۲ قبل از ظهر وقت ملاقات تعیین گردید من با محمد ولی خان در منزل یکی از دو ستانش در سرای غزنی رفتم بعد از صرف چای کتاب راجستر را که در آن شهرت مکمله پرچمی ها و خلقی ها درج گردیده بود برایم نشان داد همچنان لست مکمل کسانی را که درسازمان جاسوسی ساواک عضویت داشتند از نظرم گذرانید درین لست نام های بیش از صد نفر به نظر میرسید محمد ولی خان يك کاپی این لست را برایم سپرد که درج اوراق تاریخ میباشد.

محمد ولی خان در خلال صحبت خود گفت: حیدر رسولی با پرچمی ها همدست میباشد پرچمی ها وعده داده اند اگر آنها در کودتا پیروز شوند حیدر رسولی در پست خود باقی خواهد ماند. حیدر رسولی با قادر خان روز و شب یکجا میباشد وامکان دارد که حیدر رسولی توسط قادر خان شاپور احمدزی جذب شده باشد. پرچمی ها گفته اند که عمر سردار داود خان به سر رسیده اگر بسیار زیاد زنده باشد سه یا چهار سال. بعد از وی هیچکس چانس ندارد که بر کرسی ریاست جمهوری تکیه زند. پرچمی ها و خلقی ها که فعلاً متحد شده اند از قدرت بزرگی بر خور دارند چانس آینده با آنها است اگر حیدر رسولی با ما همکاری نماید در آینده از چانس طلایی بر خوردار خواهند بود.

محمد ولی خان گفت: غوث الدین فایق سخت باکمونیست ها مخالف میباشد دیدن با وی ضروری میباشد همچنان رهبر نیز وی را دوست دارد. بعد از صرف نان ساعت يك بجه بعد از ظهر طرف وزارت داخله حرکت کردیم در کارته ۴ چشم محمد ولی خان بر تره کی افتید در مورد وی گفت: نورمحمد تره کی ساده و يك انسان خوش باور میباشد اما در بین خلقی ها حفیظ الله امین زیرک و هوشیار بوده و صاحب منصبان اردو



توسط وی جذب شده است.

زمانیکه وی معلم و بعد مدیر لیسه شد در بین شاگردان جلب و جذب را آغاز کرد. وی مرد نیرومند و یا تدبیر مییاشد و امکان دارد کودتا از طرف وی پلانیزه شده باشد و دلیل آن اینست که تعداد خلقی ها در اردو در ظرف دو سال رو به افزایش رفته است خلقی ها مردم اطرافی و از سواد کامل بر خوردار نبوده با نشان دادن گل های سرخ و سبز زود فریب میخورند ازینرو فکر میشود که خلقی ها شاید رهبری کودتا را بدست گیرند.

ساعت یکنیم به وزارت داخله رسیدیم مستقیماً به اتاق وزیر داخله مراجعه کردیم وزیر داخله انتظار ما را داشت بعد از ده دقیقه طرف دفتر کار رئیس جمهور حرکت کردیم. زمانیکه به اتاق کار عبداللّه رسیدیم بدون توقف داخل اتاق شدیم، بعد از احوالپرسی صحبت های گرم آغاز گردید.

محمد ولی خان لوی ولسوال خوست گفت: زمانیکه سردار صاحب محمد داود خان علیه پسر کاکای خود کودتا کرد و رژیم سلطنتی را از بین برد برای سردار صاحب گفتم که سردار صاحب اشتباه کردید. انقلاب کار ساده است اما نگهداری آن خیلی مشکل است. مردم ما بیسواد و جامعه نیمه فیودالی و حتی در بعضی از گوشه های کشور مردم آنقدر عقب مانده که به وحشیان امازون و افریقا شباهت دارند درین نوع جامعه عقب مانده انقلاب و رژیم جمهوری را بوجود آوردن آینده و عواقب وخیمی در بر خواهد داشت. همین اکنون اگر چپی ها کودتا کنند چی خواهد شد. من یقین دارم که علیه آنها مقاومت ها بوجود میآید. همسایه ها مداخله میکنند اما وطن ما پارچه پارچه خواهد شد.

در انقلاب اولین اشتباه که رخ داد این بود که چپی ها مانند

نبی عظیمی، ضیا، پاچاگل وفادار، فیض محمد و غیره در کودتای ۲۶ سرطان همکاری داشتند. دومین اشتباه که شد اینست که بعداً آنها رانده شدند. فعلاً آنها عقده گرفته اند به هر ترتیب که شود آنها با دیگران همدست شده و برای سرنگونی رژیم دست بکار میشوند. من چندین بار شفاهی و تحریری برای سردار صاحب عرض کردم که چپی ها آماده کودتا میباشد و درین چند روز دست بکار میشوند اما سردار صاحب به حرف های من گوش نداده و نمیدهند. بهتر است جناب شما با سردار صاحب نعیم خان يك دست شده و موضوع را عاجلاً به حضور رهبر برسانید تا در مورد جلوگیری فساد چپی ها تصمیم گرفته شود.

معاون رئیس جمهور گفت: حرف های شما کاملاً درست میباشد. در گذشته هم اشتباهات شده و همین اکنون نیز اشتباهات صورت گرفته است. پدر مرحوم من سید عبدالله که وزیر داخله زمان صدارت سردار صاحب بود بارها به سردار صاحب میگفت که از بېرک کارمل دوری کنید. بېرک کارمل زمانیکه محصل بود با سردار صاحب رفت و آمد داشت خلص اینکه جاسوسی میکرد در مورد روشنفکران راست و دروغ راپور ها راجمع و به سردار صاحب تقدیم میداشت. فکرمیکنم که حسن کریمی نیز در مورد خباثت بېرک به سردار صاحب چندین بار گزارش داده بود. اگر به خاطر داشته باشید زمانیکه شاه محمود خان صدر اعظم بود. محمودی و غبار و تعدادی از روشنفکران جمهوری خواه زندانی شدند که درین جمله بېرک نیز شامل بود. از قول پدر مرحوم بېرک به اساس سپارش سردار صاحب از زندان رها گردید. اما دیگر ها در زندان باقی ماندند. اما از مدتی سردار صاحب بېرک را ترك گفته است. بېرک اصلاً افغان نیست. کسی افغان بوده میتواند که اندیشه افغانی داشته باشد بېرک اجنت روس ها بوده و وی حتی در ین اندیشه است که

افغانستان آزاد باید يك جمهوری جز شوروی باشد. من به شما اطمینان میدهم که با چهره کشیف ببرك کاملاً آشنایی داریم. عنقریب درمورد اقدام میگردد. اما دولت مشکلات هم دارد. اگر آنها دستگیرشوند یا اعدام شوند برای دستگیری آنها باید دست آویزی داشته باشیم فعلاً به جز از راپور ها کدام سندی از آنها به دسترس ما نیست. از طرف دیگر با دستگیری آنها مناسبات ما با شوروی ها تیره تر میشود. امریکا نیز مورد اطمینان ما نیست. امریکایی ها به ما وعده ها اقتصادی و نظامی دادند. اما بعد عقب رفتند امریکا و انگلیس ها از ما توقعاتی دارند اگر این توقعات آنها بر آورده شود برای ما نه میماند و نه حیثیت. و البته ما خلاف خواسته های ملت خود چیزی کرده نمیتوانیم امریکا از ما میخواهد که موضوع پشتونستان و بلوچستان را فراموش کنیم در حالیکه این موضوع برای ما ارزش حیاتی دارد درین مورد باید ملت افغان تصمیم بگیرد من به صراحت میگویم که پشتونستان، بلوچستان کشمیر، مروه و پنجده جز خاک ماست ما به بحر راه نداریم محاط به خشکه میباشیم اگر به بحر راه پیدا کنیم یقین کامل دارم که به زود ترین فرصت کشور ما ترقی میکند و از عقب مانده گی نجات پیدا میکنیم. خط منحوس دیورند که بر ما تحمیل گردیده اعتبار قانونی ندارد این قرار داد نامه توسط يك شاه بی صلاحیت امضاً گردیده. در معاهده اراده ملت دخیل نیست. و عنقریب صد سال این معاهده تکمیل میگردد. و اعتبار قانونی نخواهد داشت. ما اگر از پشتونستان و بلوچستان حرف میزیم اصلاً هدف اساسی ما پیوستن خاک های از دست رفته ما به افغانستان میباشد. وبعد از تکمیل صد سال باید این خاک های از دست رفته دو باره رسماً به افغانستان تعلق گیرد. در مسئله پشتونستان و بلوچستان تعصب قومی یا نژادی در بین نیست این موضوع کاملاً يك موضوع ملی بوده و

منافع علیای کشور و حاکمیت کامل ارضی در بین میباشد. اگر ما این موضوع حیاتی افغانها را ساده فکر کنیم و از آن بگذریم واضح است که نسل آینده و دولت های آینده اگر مردمی باشند خاک های از دست رفته خود را میخواهند از طرف دیگر موجودیت پاکستان برای ما افغانها و هند درد سری بزرگی است به هر وسیله ای که میشود این درد سر باید دور شود.

و جای تعجب اینست که زمانی شوروی ها افغانها را علیه پاکستان تحریک میکردند و میگفتند اگر جنگ بین افغانستان و پاکستان در گیرد. ما به افغانستان کمک نظامی را میدهیم اما حالا همین سرخ ها از پالیسی امریکا جانبداری مینمایند!! ما فعلاً در شرایط خیلی دشوار قرار داریم. از یک طرف امریکا علاقمند کمک به افغانستان نبوده و از جانب دیگر شوروی ها نمیگذارند که پروژه های خارجی در افغانستان فعالیت اقتصادی داشته باشند. خصوصاً در سمت شمال کشور. در پروژه انکشاف پکتیا که از طرف المانها در ولایت پکتیا فعالیت داشت. دیدیم که مقابل این پروژه عام المنفعه خلقی ها چه بود که نکردند!! شوروی ها میخواهند که به افغانستان کاملاً مسلط باشند و حتی در سیاست خارجی افغانستان نیز میخواهند مداخله نمایند. طوریکه شما آگاهی دارید. روی این مداخله بی شرمانه در کاخ کرملین بین رئیس صاحب جمهور و بریژنف آزرده گی رخ داد. شوروی ها فعلاً در کمین اند که ما چه میکنیم امریکا چه میکند. اما به صراحت میگویم که ما دیگر با شوروی ها نزدیک نخواهیم بود به هر شکلی که میشود از استثمار سرخ باید خود را نجات بدهیم. آمدیم بر سر موضوع کودتای چپی ها واقعاً این موضوع قابل اندیشه بوده برای جلوگیری آن باید عاجلاً اقدام گردد من درین مورد با سردار صاحب چندین بار صحبت کرده ام. ما در فکر تغییر و تبدیل

کدرها در وزارت دفاع میباشیم. و از همه اولتر اردو باید از وجود چپی ها تصفیه گردد. کار جریان دارد. به نظر ما باید افسران سابق که واقعاً صادق بودند در بست های حساس دو باره توظیف شوند محمد ولی خان گفت: ادارات دولتی نیز باید از وجود چپی ها پاک شود پرچمی ها در هر وزارت و ریاست ها جابجا شده اند. چندی قبل یکی از اعضای برجسته مصئونیت ملی به سردار محمد نعیم خان گفت: که در وزارت اطلاعات و کلتور در زیر ریش داکتر نوین پرچمی های قرار دارند و تمام اسرار را در اختیار کا.جی. بی. قرار میدهند وی گفت بعد از باز گشت رهبر از کشور های غربی، مصر، عربستان سعودی و ایران یکی از پرچمی ها بنام محمد رحیم رفعت که در تحریرات وزارت اطلاعات و کلتور کار میکند و با رهبر به حیث ترجمان همسفر بود تمام اسرار را در ۴۵ ورق ترتیب و به اختیار محمود بریالی گذاشته است و محمود بریالی این اسرار سیاسی را بدسترس کا. جی. بی قرار داده است.

معاون رئیس جمهور به وزیر داخله مرحوم قدیر خان هدایت داد تا موضوع جدی بررسی گردد و خائین ملی را توقیف و مورد باز پرس قرار دهند.

محمد ولی خان گفت: نه تنها رحیم رفعت اسرار را بدسترس کا. جی بی. قرار داده است بلکه اشخاص دیگری نیز وجود دارند که با ببرک کارمل همکاری داشته و اسرار را دو دسته تقدیم کمونیست ها میکنند. از این جمله میتوانیم از محمد خان جلالر، نعمت الله پژواک و سرابی نام ببریم. محمد خان جلالر که اصلاً افغان نبوده بلکه از مهاجرین آنطرف دریای آمو میباشد این ناجوان در هر حکومت از موقف عالی بر خور دار بوده و با سردار محمد داود خان در چندین سفر همراه و تمام جزئیات سفر را به اطلاع کا. جی. بی رسانیده است. همین اکنون با شوروی ها

همکاری دارد. نعمت الله پژواک که در رأس وزارت معارف قرار داشت لیستی از پرچمی ها و خلقی ها را ترتیب و به فیض محمد وزیر داخله سپرده بود. که تمام شان در ولسوالی ها و علاقدهاری ها به حیث ولسوال و علاقدهار مقرر شدند و از این راه کمونیست ها توانستند تعداد زیادی را در ولسوالی ها و ولایات به حزب پرچم و خلق جذب نمایند. سرابی را کسی در پوهنتون نمی شناخت پوهاند اصغر خان رئیس پوهنتون وقت وی را رشد داده و تا به ریاست پوهنحی اقتصاد رسانید و بعد ارتقا نموده تا به وزارت رسید. سرابی همیشه با ببرک کارمل در تماس بوده رفت و آمد داشتند و پرچمی ها در پوهنتون به نفع وی تبلیغ میکردند تا وی را شخصیت داده و به شهرت اش افزودند.

سرابی یکی از همکاران نزدیک جناح پرچم میباشد که در عقب پرده با آنها همکاری دارد. من نمیدانم که دولت چرا چنین چهره های مشکوک را تشخیص نمیدهد. میوندوال که سرسخت ترین دشمن کمونیست ها بود توسط عناصر مشکوک در زندان کشته شد. (میوندوال توسط صمد اظهر پرچمی به قتل رسید) موسی شفیق که وی را نابغه خطاب کنیم به خطا نرفته ام مدتی زندانی و از نظر افتیده است، عبدالحکیم طبیبی عبدالرحمن پژواک فراموش گردیده است و جای تأسف است که امروز سر نوشت مملکت بدست حیدر رسولی افتیده است هر قدر که به رهبر گفته میرویم که متوجه بی کفایتی رسولی باشد هیچ تأثیری ندارد.

معاون رئیس جمهور گفت: توکل ما و شما به خدا تلاش میکنیم که چه میشود بالاخره رهبر را قانع خواهیم ساخت تا جلو عناصر خائن به وطن گرفته شود. و در رأس کارها اشخاص لایق، کار آزموده و وطن دوست قرار بگیرند در مورد موسی شفیق باید گفت: که وی را سردار صاحب مورد نوازش قرار داده است و عنقریب پست حساسی و مهم به وی سپرده

می شود. موسی شفیق خطر هجوم شوروی ها را نیز پیشبینی نموده است وی با نهضت موجوده کمونیستی در داخل کشور مخالف بوده و برای جلوگیری از نفوذ شوروی ها در افغانستان طرحی دارد که مورد دلچسپی خاص رهبر قرار گرفته است در مورد اینکه چطور از نفوذ کمونیزم در افغانستان جلوگیری شده بتواند چندین بار با موسی شفیق و دیگر سیاستمداران و اهل خبره نشست داشتهیم در این مورد پیشنهادات و نظریات جمع آوری گردیده و به کمیسیونی سپرده خواهد شد که آنرا منسجم و طرق عملی آنرا جستجو نمایند. در این مورد کارها به شدت ادامه دارد. اما افسوس که وقت گذشته است و کمونیست ها از موقع استفاده نموده و تعداد زیاد از جوانان احساساتی و بی دانش را دور خود جمع نموده است. و اکنون جلب و جذب هم در ساحه اردو و هم در دواير ملكی به شدت ادامه دارد. قرار يك احصائیه در سرتاسر کشور در حدود صدهزار نفر به پرچم و خلق جذب شده اند.

محمد ولی خان گفت: من این خطر را در سال ۱۳۴۳ به سردار صاحب گفته بودم که بعضی کج پا ها با شما رفت و آمد دارند تمام شان غلامان روس میباشند. ظاهراً خود را مترقی و وطن دوست و ضد شاه معرفی میدارند. اما در حقیقت آنها نه شما را میخواهند و نه شاه را اگر قدرت را بدست آورند و ریشه را دوانیدند همه را گردن میزنند.

معاون رئیس جمهور خندید و گفت: ولسوال صاحب مقصد تان از کج پا ها چیست محمد ولی خان گفت: کسی که پا را کج میگذارد، دروغ میگویند و غلط باشند من آنها را کج پا خطاب میکنم و هدف من از کج پا ها چپی ها میباشند پرچم، خلق، شعله جاوید.

قدیر خان وزیر داخله گفت: جناب ولسوال صاحب علاوه بر آن که در مورد پرچمی ها و خلقی ها معلومات کافی دارد. در مورد کسانیکه با

ساواک همکاری دارند نیز یادداشت های مهم بدست دارند که يك لیست آنها به رهبر تقدیم نمودیم و لیست دیگری به ریاست مصئونیت ملی سپرده شده است تا در مورد اعضای این سازمان معلوماتی را بدست آورند.

محمد ولی خان گفت: بلی ساواک به شدت فعالیت دارد. ساواک از يك طرف میخواهد در مورد نفوذ کمونیزم در افغانستان تحقیق نماید و از جانب دیگر تلاش دارد. که به فرهنگ افغانی صدمه بزند. ساواکیان به همکاری عناصر استخدام شده آثار قلمی را خریداری و محو مینماید کتب چاپ شده تاریخی از بازار جمع آوری و حریق مگردد. شخصی وجود دارد بنام قاری که وظیفه وی خریداری کتب قلمی، آثار قیمت بها بوده و کتب خریداری شده توسط دانشمندان فروخته شده مطالعه و بعد بدسترس ساواک گذاشته میشود.

قدیر خان گفت: بلی این کاملاً واقعیت دارد. چندی قبل شخصی به نام غلام رضا که کتب و مجسمه ها را به ایران طور قاچاق انتقال میداد در ولایت فراه دستگیر گردید.

قدیر خان گفت: دشمنان تاریخی ما تلاش دارند به هر طریق که میشود باید به افغانها ضربه زنند جای تأسف و درد آور اینست که جوانان رسیده ما تلاش دارند که فرهنگ ما را کوچک و ناچیز جلوه دهند و فرهنگ ایرانی ها را فوق فرهنگ افغانی معرفی دارند.

به خاطر دارم که در مجلسی صدیق فرهنگ چنین نشان میداد که فرهنگ افغانی زاده فرهنگ ایران است. در حالیکه واقعیت اینطور نیست.

هجرت آریایی ها از افغانستان به ایران صورت گرفته است که توسط این هجرت آریایی ها فرهنگ افغانی به ایران امروز و فارس قدیم انتقال داده شده است طور مثال از مدنیت پارت ها نام برده میتوانیم همچنین



آئین زردشتی از بلخ به فارس «ایران امروز» انتقال داده شده است.

معاون رئیس جمهور گفت: من هم زمانی فکر میکردم که زبان فارسی از ایران به افغانستان انتقال داده شده است در حالیکه زبان دری از فارسی ایرانی فرقی دارد دری در دره های افغانستان نشو نما و تکامل نموده است. اما واقعیت را باید از نظر دور نداشته باشیم که افغانستان هم گیرنده و هم فرستنده فرهنگ ها بوده است. فرهنگ یونانی و عربی بر ما تحمیل گردید. ما افغانها این فرهنگ را به هند و آسیای میانه انتقال دادیم. همچنین فرهنگ اصیل اریایی که در افغانستان زاده شده بود. با هجرت ها به ایران، هند و آنطرف آمو انتقال گردیده است. اگر گفته شود که افغانستان مرکز بزرگ بخش فرهنگ ها بوده به خطا نرفته ایم.

محمد ولی خان خندید و گفت: اگر ایدیالوژی کمونیزم در افغانستان پیاده شود. طبعاً بازهم افغانستان پخش دهنده ایدیالوژی کمونیزم طرف شرق و غرب خواهد بود. یا اینکه در همین جا دفن میشود. اگر در خاک افغان دفن و محو گردید یقین داشته باشید که در سرتاسر جهان قبر آن کنده میشود. فتوحات سکندر تا سرحد سند ادامه پیدا کرد بعد از ضربات کوبنده افغانها سکندر از خاک افغان بر گشت و گلیم امپراتوری یونانی ها جمع گردید. چنگیز نیز به چنین سرنوشت مواجه گردید.

معاون رئیس جمهور گفت: ما و شما در فکر آینده باید بی اندیشیم که چطور از چنگال استعمار سرخ نجات پیدا کنیم.

قدیر خان گفت: هجوم شوروی ها به افغانستان محسوس است سنگ و چوب میگوید که، چپی ها کودتا میکنند، اما از نگاه نظامی برای شوروی ها دشوار خواهد بود که به سرحدات افغانستان هجوم بیاورند و حمله کنند و از طریق خاک افغان بر آب های گرم مسلط شوند این پلان

شوم شوروی ها وقت و زمان بکام دارد اما امکانات کودتا وجود دارد و میتواند توسط دست نشان دهنده های خود بر افغانستان مسلط شوند و به همکاری آنها عساکر شوروی بدون مقاومت در افغانستان پیاده شود. اگر افغانها مقاومت نکنند به سادگی پاکستان را عبور نموده و به آب های گرم نزدیک میشوند.

من گفتم: وقتیکه کودتا محسوس باشد باید عاجلاً جهت جلوگیری آن اقدامات شود. با گذشت زمان چانس جلوگیری از دست می‌رود.

معاون رئیس جمهور گفت: من کاملاً موافق ام فردا با رهبر موضوع را جدی مطرح میکنم قبل از دیدن رهبر موضوع باید با سردار نعیم خان نیز مطرح گردد. و با همکاری وی رهبر را قناعت داد تا عناصر خائن دستگیر و اردو از وجود خلقی ها و پرچی ها پاک گردد.

قدیر خان گفت: ما به همکاری خود پرچی ها منازل کدر های رهبری را تثبیت نموده ایم و با دادن قومانده برق آسا همه شان دستگیر می‌گردد. اما خدا کند که رهبر قانع و امر دستگیری آنها را لطف نماید.

محمد ولی خان گفت: من یقین کامل دارم باز هم حیدر رسولی رهبر را فریب میدهد. فکر نمی‌کنم که رهبر به حرف های ما شما گوش دهد.

معاون رئیس جمهور گفت: اگر مورد قبول واقع نگردد ما در مورد حیدر رسولی فکر خواهیم کرد تا این پلید از بین برده شود.

ما از معاون رئیس جمهور خدا حافظی کردیم و از ارگ خارج شدیم در بین راه قدیر خان گفت شما هر چه زود تر خود را به منزل سردار نعیم خان برسانید و وی را از جریان کاملاً آگاه سازید.

من و محمد ولی خان به طرف منزل سردار محمد نعیم خان در حرکت شدیم بعد از ده دقیقه به منزل سردار نعیم خان رسیدیم. در اتاق انتظار نشستیم تا به حضور سردار صاحب شرف یاب شویم. بعد از نیم ساعت

انتظار داخل سالون شدیم سردار نعیم خان با شیرزاد وزیر سابق تجارت پهلوی به پهلوی نشستند بعد از صرف چای شیرزاد مرخص گردید. نعیم خان از محمد ولی خان پرسید. باز چه پیغامی دارید از صبح تا حالا چندین تلفون آمده است که پرچی ها کودتا میکنند حقیقت چیست آیا این افواها واقعیت دارد یا اینکه عقب آن کدام پلانی در بین است صبح از وزارت معارف کسی آمده بود گفت که امشب پرچی ها دستگیر شده اند. در حالیکه دروغ محض بوده تاکنون نه پرچی و نه خلقی دستگیر و زندانی شده اند.

شیرزاد همین حالا روی این موضوع صحبت میکرد. وی نیز سراسیمه بود من گفتم که هیچ گپ نیست خیر و خیریت است. سردار محمد نعیم خان در مورد وضع سیاسی افغانستان صحبتی نموده و بعد در مورد کودتای چپی ها چنین گفت. در افغانستان با دو خطر بزرگ مواجه میباشیم، یکی خطر کمونیست ها و دیگری خطر اخوانی ها. قتل وزیر پلان توسط مرجان نشاندهنده این واقعیت است که اخوانی ها با کمونیست ها موازی برای از بین بردن رژیم موجوده تلاش دارند اما حیف این ملت و این مملکت هر دو جناح یعنی چپی ها و اخوانی با عث بر بادی و زیرانی این خاک خواهند شد! افغانستان فعلاً کمی جان گرفته و به سرعت طرف انکشاف میرود. اگر به اخوانی ها و چپی ها (کمونیست ها) موقع مساعد گردد من یقین کامل دارم که افغانستان در آتش خواهد سوخت. اگر کمونیست ها کودتا کنند و قدرت را بدست گیرند هیچ امکان ندارد. که علیه آنها راستی ها (اخوانی ها) قیام نکنند و اگر راستی ها قدرت را بدست گیرند واضح است که شوروی ها در پهلوی خود نظام راستی های افراطی را تحمل کرده نمیتواند در نتیجه جنگ ها آغاز میگردد و افغانستان میدان زور آزمایی اسرکا و شوروی

خواهد شد. گرچه امریکا ضد اخوانیت بوده مگر به حیث وسیله از آنها علیه چپی ها کار خواهد گرفت.

وی افزود: من چندین بار در مورد خطر راستی ها و چپی ها با امریکا و ممالک اسلامی صحبت ها نموده ام اما در مورد افغانستان بی تفاوتی نشان داده اند و چندان علاقه به کشور ما ندارند. آنها بر ما فشار وارد میسازد. که کمونیست ها در افغانستان فعالیت دارند. زمانیکه ما در مورد نفوذ کمونیست صحبت می نمایم میگویند: موضوع داخلی خود شماست. شما باید برای دفع آن اقدام کنید.

این يك واقعیت است که همه چیز بر اقتصاد وابسته است. اگر کشور از نگاه اقتصاد پیشرفت نماید و زمین های بایر آباد گردد. فابریکه ها تاسیس گردد. زمینه برای تحصیلات عالی فرزندان ما مهیا گردد. همه مردم هم مصروف میشوند و هم سویه زندگی آنها بلند میرود. طبعاً زمانیکه کار وجود داشته باشد و سویه زندگی مردم بلند برود واضح است که هیچکس در فکر دنیای خیالی کمونیزم نمی شود. امروز در دنیای غرب که سطح زندگی مردم بلند رفته است یقین کامل دارم. که هیچگاه کمونیزم در آنجا راه یافته نمی تواند اما در کشور های فقیر و عقب مانده تاثیر کمونیزم زیاد میباشد در آنجا بدون مقاومت کمونیزم مسلط می شود کشور ما نیز فقیر بوده دیده شود که چی میشود. ما از امریکا و جهان غرب بارها تقاضا نمودیم که کمک اقتصادی نمایند اما افسوس که هیچ کشور غربی حاضر به کمک نشدند! درین اواخر با تپ و تلاش زیاد ایران. عربستان و مصر حاضر شده اند که کمک نمایند البته این کمک جایی را گرفته نمی تواند. در شرایط موجوده که وضع اقتصادی کشور ما خوب نیست طبعاً مردم ما زیر تاثیر فشار های فریبنده کمونیست ها (کور، کالی، هوهی) می روند در حالیکه ما در مقابل آن

هیچ چیز را وعده کرده نمی توانیم.

سردار نعیم خان به عصبانیت گفت: ما افتخارات ملی داریم تاریخ داریم اما فکر میکنیم که همه افتخارات ما توسط ناکسان و فروخته شده گان محوه و نابود خواهد شد. ببرک زمانی که خود را غلام حلقه بگوش سردار محمد داود خان میدانست و پا های وی را بوسه میزد و جاسوسی میکرد امروز علیه وی قرار دارد!! حسن کریمی همیشه میگفت که بچه حسین خان ببرک مار آستین سردار محمد داود خان می باشد. حسن کریمی راست گفته بود. همه دوست ها راست گفته بودند اما سردار صاحب کم شنید. ببرک خائن هم به شاه جاسوسی میکرد و هم بر سردار محمد داود خان.

محمد ولی خان گفت: ما بارها به سردار صاحب گفته بودیم که ببرک جاسوس شوروی ها میباشد یک خائن ملی و فروخته شده می باشد حالا هم چیزی نشده اسناد و مدارک وجود دارد. اگر در مورد دستگیری کمونیست ها اقدام شود. فکر میکنم وقت است.

سردار نعیم خان گفت: کدام طرف را باید گرفت اگر کمونیست ها دستگیر شوند و ازین برده شوند راستی ها به مراتب از آنها خطر ناکتر اند اگر راستی ها قدرت را بدست گیرند ضدمدنیت و فرهنگ بوده ما باید . . . ۱۳ سال به عقب برویم که این هم قابل قبول ملت مانیست.

ما امروز در دو پله آسیا قرار داریم. کاری باید کرد که از هر دو طرف نجات پیدا کنیم. یگانه راه نجات آنست که در توده ها روحیه وطنپرستی و نیشنلیزم بلند برده شود اقتصاد کشور تقویه گردد زمانیکه زمینه کار پیدا شد و سطح زندگی مردم بلند برده شد دیگر مردم در فکر کمونیزم نمی شود اما یک چیز را برایتان یاد آوری می کنیم که افغانهای واقعی هیچگاه بوطن شان خیانت نمی کنند. شما میدانید که در سقوط

سلطنت امان الله خان مهاجر عربی (....) به دستور انگلیس ها دزدان را تحریک نمودند اگر تاریخ افغانستان دقیقاً مطالعه گردد. زمانیکه انگلیس ها در کابل مسلط شدند و افغانها علیه آنها قیام کردند مهاجرین ایرانی بودند که از قیام افغانها به انگلیس ها اطلاع میدادند و جاسوسی میکردند که این واقعیت را در شبخون افغان خانم لیدی سیل انگلیس خوتر افشاء نموده است. امروز بیک کارمل که به وطن خود به مردم خود خیانت میکند اصلاً افغان نبوده از مهاجرین پنجابی میباشد. بلی ما کنون انتظار حوادث هستیم که چپی ها و راستی ها چی میکنند و چی مصیبتی را برای مردم افغانستان بیار میاورند.

من گفتم: اگر انتظار حوادث باشیم فکر میکنیم که وقت ضایع می شود از اطلاعات موجوده بر می آید که چپی ها امروز یا فردا دست به کار شوند و کودتا را به راه اندازند زمانیکه کودتا موفق گردید و کمونیست ها قدرت را بدست گرفتند بعد کاری از دست ما ساخته نخواهد بود.

سردار صاحب نعیم خان گفت: فکر نمی کنیم که اردو به رهبر خود خیانت کند همین داود خان بود که اردو را رشد داد و از اردوی عقب مانده اردوی منظم و عصری بوجود آورد اگر اردو به داود خان خیانت کند دیگر این اردو به درد هیچ کسی و هیچ نظامی نمی خورد. سردار صاحب افسران اردو را مانند اولاد خود دوست دارد. آنها را تربیت کرد رتبه داد، مقام داد و صاحب زندگی ساخت. حالا اگر خیانت کنند قابل تأثر است. من بارها گفته ام که در مورد انتخاب افسران بلند رتبه تجدید نظر گردد. صاحب منصبان سابق باید دو باره نوازش شوند و در رأس فرقه ها قرار بگیرند از مستعجل ها چیزی ساخته نیست اما به حرف های من گوش داده نشد... من اعتراف میکنم که موجودیت حیدر رسولی در

وزارت دفاع باعث ناراضایتی عمومی در اردو گردیده است اردو فعلاً بی سرپوش می باشد من به سردار صاحب پیشنهاد کردم که شورای عسکری بوجود آید. درین شورا خان محمد خان، فاروق خان، مستغنی، سعید خان، حسین خان و غیره گرد آیند تا در اردو يك تغییر بنیادی بوجود آید. واقعاً وضع اردو فعلاً خوب نیست. از خوردن ظابطان بی سواد که در رأس کارها قرار دارند چیزی ساخته نمی شود. آنها درك بصیرت ملی ندارند و در پی منافع شخص و مادی خویش می باشند.

من گفتم: که چپی ها با استفاده از وضع موجوده اردو شاید درد سری را بوجود آورند همه میگویند که چپی ها کودتا میکنند در اردو نیز افواهاست کودتا پخش گردیده است و یگانه شخص که این واقعیت را کتمان میکند و رهبر را در روشنی قرار نمی دهند حیدر رسولی میباشد مردم میگویند حیدر رسولی. عبدالقادر با چپی ها همدست می باشند. و فعلاً که لست مکمل کودتاجیان تکمیل و هويت آنها در وزارت داخله و مصنویت ملی تثبیت گردیده است، سنگ و چوب میگوید که چپی ها کودتا میکنند پسی در گرفتاری رهبران چپی ها تعلق ورزیدن به جز اینکه وقت ما را ضایع کند سود دیگر ندارد.

نعیم خان گفت: شما اخبار نویسی ها کنجکاو و از همه چیز آگاهی دارید فکر نمی کنیم که چپی ها درین نزدیکی ها چیزی کرده بتوانند بازهم برای جلوگیری کودتا فکر عمیق و عاجل بکار است اما واقعاً تعلق بکار نیست از يك ماه به این طرف افواه کودتا چپی ها و راستی ها سر زبان بوده به گفته مردم «تا نباشد چیز کی مردم نگویند چیزها».

من امشب با سردار صاحب صحبت مینمایم وموضوع را جدی مطرح میکنم.

محمد ولی خان گفت: مطبوعات ملی وجود ندارد. با مطبوعات

دولتی مردم علاقه ندارند. فکر میکنم در شرایط موجوده اگر مطبوعات ملی بوجود آید این هم سلاح بزرگی علیه اندیشه های بیگانگان میباشد. نعیم خان گفت: در مورد مطبوعات آزاد به وزارت اطلاعات و کلتور هدایتی داده شده است که قانون مطبوعات را هر چه زود تر ترتیب و طی مراحل نماید. بلی مطبوعات نقش ارزنده در تنویر اذهان عامه دارد. در کشورها که سواد وجود داشته باشد و مردم عادت به خواندن روزنامه ها داشته باشند در تغییر ذهنیت عامه مطبوعات واقعاً نقش بزرگی میداشته باشد.

در اثنای صحبت کردن جنرال یونس خان که یکی از جنرالان ورزیده و دانشمندی بود وارد گردید. بعد از احوال پرسى و صحبت ده دقیقه ای از یونس خان جوایى معلومات گردید.

یونس خان گفت: وضع اردو در مرکز خوب نیست همین اکنون از حضور والاحضرت (داود خان) بر گشتم. انشا الله همه کارها درست میشود. رهبر بزرگ میخواهد در وزارت دفاع تغییرات کلی را بوجود آورد لست افسران سابق اردو ترتیب گردیده و شورای بزرگ عسکری نیز در حال تشکل می باشد درشورا جنرال مستغنی، سعیدخان، سید حسن خان، خان محمد خان، محمد علم خان لوگری و تمام جنرال ها و دگروال های متقاعد شامل می باشند و ازین شورای بزرگ عسکری وزیر دفاع ولوی درستیز انتخاب میگردد.

محمد ولی خان گفت: همه چیز درست میشود اما عجله بکار است که جلو کودتای چپی ها گرفته شود.

یونس خان گفت: اگر چپی ها کودتا نکنند خطر اخوانی ها نیز موجود است.

ملاهای پل خستی از جانب پاکستان و بمالک عربی تقویه میشود آنها



نیز میخواهند که در افغانستان رژیمی بوجود آورند که جنبه مذهبی داشته باشد و مذهب بر مردم حکومت کند و قدرت به دست اخوانی ها بی افتد.

محمد ولی خان گفت: هدف شما از ملاهای پل خستی چیست؟

یونس خان گفت: ملاهای پل خستی آن دسته از ملاها و طالب های بودند که در زمان سلطنت ظاهر شاه در پل خستی جمع میشدند و علیه خلق و پرچم شعار میدادند این دسته از ملاها از طرف قلعه جواد تحریک میشدند. البته واضح است که پاکستان نیز در آن دست داشته است. اگر چپی ها کودتا کنند و قدرت را بدست گیرند و نظام کمونیستی را بر قرار سازند البته استقرار چنین نظام خطر بزرگی به پاکستان هندوستان و حتی منطقه نیز خواهد بود.

من فکر میکنم که اگر شوروی ها بر خاک افغانستان به منظور حمایه از رژیم دست نشانده خود تجاوز کنند امریکا و انگلیس بی تفاوت مانده نمیتواند و آنوقت اخوانی ها را تقویه میکنند.

سردار نعیم خان گفت: بلی همه ما میدانیم که شوروی ها سال ها قبل به فکر تسخیر آب های گرم بوده اند و اگر در افغانستان چپی ها قدرت را بدست آورند چانس بزرگی برای شوروی ها خواهد بود که بر آب های گرم مسلط شوند.

یونس خان گفت: سازمان جاسوسی امریکا که سالانه به ملیادها دالر برای دفع خطر کمونیزم به مصرف میرساند چرا در مورد افغانستان بی تفاوت اند؟ من یقین کامل دارم که سازمان جاسوسی امریکا از همه حرکات کمونیست ها و راستی های افراطی در افغانستان آگاهی کامل دارند. اما بازهم برای دفع این دو خطر علاقمندی نشان نمیدهند.

سردار محمد نعیم خان گفت: در امریکا انگلیس ها

نفوذی زیادی دارند آنها نمیخواهند که افغانستان از نگاه اقتصادی و نظامی يك کشور پیشرفته باشد. اگر افغانستان اقتصاد قوی و اردوی منظم عصری داشته باشد خطر بزرگی متوجه پاکستان، ایران و آسیای میانه خواهد بود. انگلیس ها میدانند که افغانها انتقام گیر بوده و هیچگاه از خاک های از دست رفته خود صرف نظر نمیکنند. ما میدانیم که مروه، پنچده، ملتان و کشمیر، نیشاپور، کرمان و مشهد جز خاک ما بوده و سمت های شرقی کشور توسط انگلیس ها با معاهده ننگین دیورند از پیکر کشور ما جدا گردیده و یکی از آرزو های ما است که خط دیورند برداشته شود و دیگر کشور ما محاط به خشکه نباشد. انگلیس ها اینرا میدانند ازینرو نمیخواهند که امریکا در افغانستان کمک های اقتصادی خود را سرازیر کند. از طرف دیگر شوروی نیز نمیخواهد که امریکا در افغانستان دست دراز داشته باشد و متخصصین امریکایی و اروپایی در سرحدات شوروی گشت و گذار داشته باشند.

محمد ولی خان گفت: یکی از آرزوی های سردار صاحب محمد داود خان همین است که با وقت و زمانش خاک های از دست رفته را دو باره بدست آوریم. از این جهت این هدف و آرمان سردار صاحب باعث بی علاقگی امریکا و انگلیس گردیده است.

سردار محمد نعیم خان گفت: فعلاً ما با دشمنی شوروی ها نیز روبرو هستیم از يك طرف بی تفاوتی امریکا و از جانب دیگر دشمنی پاکستان و شوروی ما را با مشکلات زیادی مواجه ساخته است. ایران لاف از دوستی و همکاری میزند. اما همه میدانند که دوستی آنها بی هدف و بدون ملاحظات سیاسی نبوده. کشوری که با کشور دیگری همکاری میکنند و کمک های اقتصادی و نظامی مینماید منافع خود را نیز در نظر گرفته خواهان امتیازات میباشد. به هر حال مشکلات زیادی

وجود دارد. ما از نگاه اقتصاد کشور فقیر هستیم. اما از نگاه فرهنگ و غرور ملی فقیر نیستیم. با مشکلات باید پنجه داد تا هویت ملی و تاریخی خود را در جهان حفظ نماییم. ما افغان هستیم و بعد مسلمان هیچگاه تن نخواهیم داد تا زیر تأثیر ایدیاالوژی های بیگانه و فرهنگ پوسیده کهنه دیگران که با کلتور و عنعنات ملی ما در تضاد باشد قرار بگیریم ما به پیشرفت و ترقی نیاز داریم و میخواهیم تغییر کلی بنیادی را در همه ساحات خصوصاً در اقتصاد و فرهنگ بوجود آوریم و گلیم فرهنگ پوسیده بیگانه را که بر ما تحمیل گردیده است و مانع پیشرفت و ترقی کشور میشود جمع کنیم. دیگر رباب کهنه درد ما را دوا کرده نمیتواند. ما به فرهنگ نوین و عصری مطابق نیاز و خواسته های مردم نیاز داریم. معارف باید انکشاف نماید. علیه بیسوادی مبارزه گردد. تکنالوجی عصری رواج یابد زمین های بایر آباد گردد. اقتصاد ملی رشد یابد. فابریکات صنایع ثقیله تأسیس گردد. زمینه کار برای همه مهیا گردد و در مردم روحیه وطنپرستی تقویه گردد... رسیدن به چنین آرزو خود به خود سد بزرگی برای نفوذ و پیاده شدن ایدیاالوژی های بیگانه خواهد بود.

محمد ولی خان گفت: سردار صاحب صحبت شما خیلی شیرین و دلچسپ میباشد واقعاً که کشور ما از نگاه اقتصاد فقیر ولی از نگاه همت، و غیرت افغانی غنی میباشد محترم سردار صاحب! حالاً که با خطر بزرگ مواجه میباشیم چه باید کرد. به نظر من اخوانی ها فعلاً اینقدر قوی نیستند که مصیبتی را بوجود آورند اما کمونست ها از پشتیبانی شوروی ها برخوردار میباشد و هر آن خطر آن می رود که کودتا نظامی صورت گیرد.

سردار نعیم خان گفت: درست است که اخوانی ها ضعیف اند اما

آنها نیز از پشتیبانی پاکستان و برخی از ممالک عربی برخوردار میباشند و پاکستان آنها را به حیث وسیله استعمال میکند تا رژیم موجوده که ضد پاکستان و خواهان خاک های از دست رفته خود میباشد سرنگون سازد.

جنرال یونس خان گفت: من حرف لوی ولسوال صاحب را تائید میکنم که اخوانی ها آنقدر قوی نیستند اما باید گفت که اخوانی ها فعالیت دارند. حادثه پنجشیر و لغمان ثبوت قوی از فعالیت های آنها میباشد.

یونس خان گفت: دو تن از اخوانی ها که نزد ما زندانی بودند نزد آنها اسنادی وجود دارد که ارتباط مستقیم با استخبارات پاکستان دارند از این معلوم میگردد که در آینده پاکستان مرکز تحریک اخوانی ها علیه افغانستان خواهد بود تا ریخ ثابت میسازد که شروع هر حرکت ضد ترقی از شرق کشور منشاء گرفته است.

سردار نعیم خان گفت: حرف شما کاملاً درست است که پاکستان و شوروی خطر بزرگی را برای ما بوجود آوردنی میباشد به امید خدا که هر دو خطر دفع خواهد شد.

سردار نعیم خان به ولی محمد خان گفت: شما شام بیایید با هم با رئیس صاحب جمهور درد دل میکنیم.

من و محمد ولی خان از منزل سردار نعیم خان خارج شدیم و وعده کردیم که فردا صبح باهم خواهیم دید. من مستقیم به دفتر خود رفتم و یاد داشت های امروزی را مینوشتم که عبدالمحمد مموزی معاون تفتیش وزارت معارف داخل اتاق کارم گردید. بعد از احوالپرسی وی تاکید کرد که بار دوم با غلام محمد شیرزاد در مورد کودتا چپی ها ملاقات کنیم. من به وی گفتم. صحبت با شیرزاد فایده ای ندارد. از موضوع حکومت آگاهی دارد و سردار نعیم خان نیز از جریان کاملاً آگاه شده است امکان دارد تصمیم گرفته شود. مموزی از اتاق خارج گردید. من بعد از نوشتن

'د داشت ها به وزارت داخله رفته تا قدیر خان را ملاقات نمایم اما وی در دفتر کارش نبود. دو باره به دفتر خود آمدم دوسیه کار را بر داشته به وزارت اطلاعات و کلتور رفته تا با دکتور نوین غرض اجرات بعضی از کار های رسمی ملاقات نمایم. در خلال صحبت با داکتر نوین موضوع کودتا را دور انداخته یاد آوری کردم اما وی چیزی نگفت.

دو باره به دفتر کارم برگشتم در دفترم جگرن عزیز زلمی (پسر زلمی نایب سالار) انتظار مرا داشت بعد از احوالپرسی صحبت آغاز گردید. از وی پرسیدم که در اردو چی حال است وی گفت: در اردو وضع فوق العاده قابل تشویش میباشد افسران پائین رتبه را خلقی ها جذب نموده اند در قطعات افسرانیکه از طرف شب نوکریوال نمیباشند شب را در قطعات سپری مینمایند در حالیکه فامیل شان در کابل موجود میباشد. از این معلوم میگردد که کدام پلانی در نظر دارند.

ازینکه عزیز زلمی همصنفی و با هم رفیق بودیم به وی جریان کودتای چپی ها را در میان گذاشتم.

وی گفت: از وضع موجوده اردو معلوم میگردد که اردو فوق العاده ناراضی و امکان دارد حرکتی کنند. حیدر رسولی يك شخص نالایق، بی کفایت و وضع اردو را متشنج ساخته است.

جنرال های ورزیده سابق که واقعاً در اردو نفوذ داشتند مانند فاروق خان، سترجنرال خان محمد خان و غیره از اردو دور شده اند و افسرانیکه با داود خان در کودتا همکاری کرده بودند آنها نیز از نظر دور افتیدند و عقده گرفتند. من فکر میکنم که اردو حرکتی خواهد کرد.

اما اینکه کی ها آنها را استعمال خواهند کرد نمیدانم من گفتم: این موضوع کاملاً روشن است. رهبری کودتا بدست چپی ها میباشد و لست مکمل کودتا چیان نزد عبدالمحمد مموزی معاون ریاست تفتیش وزارت

معارف موجود است که من با وی یکجا لست را به غلام محمد خان شیرزاد سابق وزیر تجارت بردیم اما مستأسفانه که نتیجه نداد. فعلاً اولین کسیکه تلاش دارد تا داود خان را به این قانع سازد که چپی‌ها کودتا میکنند قدیر خان وزیر داخله میباشد.

اما باز هم به تأسف باید گفت که حیدررسولی وزیر دفاع سردار داود خان را آنقدر تحت تأثیر خود آورده است که هر قدر برایش در مورد کودتای چپی‌ها یاد آوری می‌گردد باور نمی‌کند.

طوری‌که من معلومات دارم. چپی‌ها به حیدر رسولی وعده داده اند که اگر قدرت را بدست آورند وی را بحیث رئیس جمهور قبول میکنند و حیدر رسولی احمق این وعده چپی‌ها را باور کرده است. این چرسی خود خواه و جاه طلب به تمام قدرت خود موضوع کودتا را کتمان میکند از اینکه خود وی درین کودتا دست دارد. من نمیدانم چه باید کرد. معاون رئیس جمهور، وزیر داخله، سردار نعیم خان، جنرال یونس و شیرزاد همه از کودتای چپی‌ها آگاهی دارند شاید برای جلوگیری آن اقداماتی کرده باشند که ما درک کرده نمیتوانیم.

عزیز جان گفت: ازینکه کودتا افشا شده است امکان دارد که برای جلوگیری آن دولت اقدامی کرده باشد به وی گفتم: باورم نمی‌آید. درین اثنا یک محصل پوهنتون که منسوب به جناح پرچم بود داخل اتاق گردید و جریان صحبت ما قطع گردید.

ساعت ۲ بعد از ظهر دو باره به وزارت داخله مراجعه کردم باز هم قدیر خان در دفتر کارش نبود. طرف ده بوری حرکت کردم تا به خانه خود بروم روی تصادف در ده بوری با حفیظ لله امین بر خوردم.

حفیظ الله امین بدون مقدمه و احوالپرسی گفت: هغه سندی رانگر.

من گفتم: کوم سندی.

وی گفت: پخپله پوهیږی هوبنیارانو ته یوه اشاره کفایت کوی.

من گفتم: په دواړو ولیمو.

حفیظ الله امین خوشحال گردید و به همراه خود مرا معرفی کرد و

گفت: این ژورنالست و وطنپرست در رأس يك جریده قرار داشت اما به تأسف باید گفت که با ما همفکر و هم عقیده نیست. پس سرش از زدن است.

دوست وی گفت: امین صاحب دم و چف تو قوی و بی تأثیر نیست از خودش بسازید.

امین گفت: کسیکه در پوهنتون تحصیل کرده باشد، روشن باشد ضرورت به دم و چف نیست خودشان فکر کنند که امروز یگانه راه نجات بدبختی جامعه و فساد جامعه سوسیالیزم کار گریست.

من گفتم: امین صاحب من در جریده، پکتیکا نظر خود را ابراز داشته ام. من سوسیالیزم افغانی را تحت بیرق سه رنگ خود می‌خواهم. نه سوسالیزم زیر بیرق سرخ شوروی. ما از آن ایدیالوژی پیروی نمیکنیم که با عنعنات و کلتور افغانی ما در تضاد نباشد. من این حرف سردار داود خان را تأیید میکنم که ایدیالوژی های وارده به درد جامعه ما نمیخورد.

جناب امین صاحب سوسیالیزم کارگری شوروی دیگر کهنه شده است و رو به زوال میباشد و کنون چهل فیصد از عقاید اقتصادی مارکس از طرف دانشمندان اقتصاد رد گردیده است.

بلی من این را تأیید میکنم که در جهان سکون وجود ندارد. حرکت دایمی وجود دارد و همه چیز در حال تحول میباشد. بنابر آن سوسیالیزم نیز به يك سیستم دیگری تحول کردنی است و آن سیستم جدید سوسیالیزم را نفی میکند.

امین خندید و گفت: داود دیوانه است اگر دیوانه نمیبود چرا مردم وی را

سردار دیوانه میگویند عنقریب گلم دیوانه جمع میشود.

من به جرئت گفتم: آیا مردی پیدا خواهد شد که جای دیوانه را دیوانه دیگری بگیرد.

وی گفت: بلی من دیوانه امپراتور آینده مشرق زمین و جانشین احمد شاه ابدالی.

من گفتم: این حرف شما با عقیده کمونیستی تان در تضاد است.

وی گفت: پشت عقیده نگرد نزد من خاک های از دست رفته مهم است ما باید شاهنشاهی بلخ و کندهار را زنده کنیم.

من دیدم که امین کمی مست و زیان وی لکنت پیدا کرده و آهسته آهسته در چهره وی سرخی پیدا میشود با وی گرم گرفتم و دانستم که در منزل نور محمد تره کی چیزی را نوش جان کرده است. امین طرف پوهنتون حرکت کرد و میخواست به منزلش به خوشحال خان مینه برود. در اثنای صحبت باز این حرف را تکرار کرد که چی وقت سند را برایش بدهم. من به امین وعده سپردم که هر وقت خواسته باشد سند را برایش میدهم. امین از این وعده من خرسند گردید و روی مرا بوسه زد و گفت: زنده باد ناسیونالیست ها.

من از وی پرسیدم: استاد آیا شما با ناسیونالیزم مخالف نیستید.

وی گفت: کسیکه افغان باشد و کمی ناسیونالیست نباشد لعنت بروی.

از وی پرسیدم: جناب استاد در بیرون افواهایی وجود دارد که چپی ها کودتا میکنند.

وی گفت: این افواها را شاید شما ژورنالیست های ماجراجو به راه انداخته باشید. کودتای چپی ها اگر واقعیت دارد یا ندارد مهم اینست که اخوانی ها پیشقدم نشود. اخوانی ها در حال تشکل میباشند حرکتی که



در پنجشیر و لغمان صورت گرفت نشانه آنست که اخوانی ها در فکر کودتا میباشند که البته پاکستانی ها نیز در ین کودتا دست خواهند داشت. فرار يك دسته از اخوانی ها به پاکستان و حمایت حکومت پاکستان از آنها بی علت نیست. اگر اخوانی ها در افغانستان کودتا کنند واضح است که در افغانستان ارتجاع جای میگرد و ارتجاع در افغانستان بدبختی های زیادی را بوجود خواهد آورد که این حرکت نه به نفع ماو نه به نفع داود خان میباشد من فکر میکنم که حکومت پاکستان توسط اخوانی ها دولت موجوده را سرنگون میسازد و رژیم را بوجود می آورد که دیگر خط دیورند و پشتونستان را فراموش نمایند.

من گفتم: اگر اخوانی ها به حمایت معمرالقزافی رهبر لیبیا و

حکومت پاکستان قدرت را بدست آورند شما چی خواهید کرد.

وی گفت: ما آنها را در بطن شان خنثا میسازیم فعلاً شصت فیصد اردو با ماست هر حرکت ارتجاعی را ما دفع کرده میتوانیم. من از وی پرسیدم: که آیا مرجان قاتل خرم وزیر پلان اخوانی بود؟

وی گفت: بلی وی اخوانی و با قلعه جواد و دارو دسته ملایان پل خشتی ارتباط داشت که البته حکومت پاکستان و انگلیس نیز بی دخل مانده نمیتواند و انگلیس همیشه برای سرکوبی نهضت های مترقی و ملی از ملاها کار گرفته اند که سقوط دولت امانی ثبوت بزرگ این مدعا بوده میتواند.

من گفتم: اگر ملاها یا اخوانی ها قدرت را بدست گیرند آیا ملت تحمل آنها خواهد داشت؟

وی گفت: تحمل اخوانی ها را هیچکس ندارد. آنها عقب گرا مرتجع و عقاید آنها برای جوامع بشری غیر قابل تحمل میباشد لنینین گفته است که مذهب افیون جامعه است، جامعه را میکشد و ملت ها را با بدبختی ها

مواجهه میسازد و حالا وقت آن نیست که مذهب بر مردم حکومت کند ما از فجایع حکومت کلیسا در اروپا مثال های زنده داریم. که جامعه اروپایی را با چی بدبختی ها مواجه ساخته بود.

امین از استگاه آخر پوهنتون دو باره طرف ده بوری حرکت کرد در ده بوری بعد از توقف چند دقیقه از من خدا حافظی کرد و طرف میرویس میدان رفت من به عجله به منزلم در سرای غزنی برگشتم و جریان صحبت را که درحافظه ام باقی مانده بود یاد داشت کردم و از غرفه تلیفون به قدیر خان زنگ زدم. سکرتر قدیر خان گوشی را برداشت و با قدیر خان رخ شدم. جریان را به اطلاع وی رسانیدم. وی مرا به عجله بخواست. من تکسی را گرفته به وزارت داخله رفتم و مستقیماً به اتاق وزیر مراجعه کردم و یادداشتی به وی فرستادم قدیر خان فوراً مرا خواست و من جریان را کاملاً برایش گفتم:

وی گفت: نمیدانم اگر چپی ها دستگیر شوند کدام توطئه و دسیسه دیگری دربین نباشد.

من گفتم: احتیاط لازم است اما در مورد کودتای چپی ها شواهدی قوی وجود دارد

قدیر خان گفت: بلی درست است اما ریشه اخوانی ها نیز عمیق است آنها نیز تلاش دارند تا در افغانستان ما جرا جویی نمایند آنها ما را ملحد و طرفداران شوروی میدانند در حالیکه سردار داود خان به صراحت اعلان کرد که ایدیالوژی های وارد شده درد جامعه ما را دوا کرده نمیتواند و این سند نشان دهنده اینست که ما مخالف کمونیزم میباشیم اما باید گفت که اخوانیزم را نیز تحمل کرده نمیتوانیم.

قدیر خان گفت: عبدالمحمد مموزی در مورد تعداد و شهرت مکمله چپی ها معلومات کافی دارد؟

من گفتم: بلی اینرا من به شما گفته ام هر وقت خواسته باشید لیست را حاضر کرده میتوانیم.

قدیر خان گفت: فعلاً دوسیه کودتا در حالت تکمیل شدن است و دوستان در ین مورد زحماتی زیادی را کشیده اند و آخرین سند ما این خواهد بود که با ببرک کارمل تماس گرفته شود و اظهارت وی ثبت گردد و برای اینکار باید از خود پرچمی ها کار گرفته شود.

من تأیید کردم. اما قدیر خان دفعتهاً تغییر کرد و برای من دستور داد تا فردا با ببرک در تماس شوم من قبول کردم فردا اول وقت خواستم که محمد ولی خان را ملاقات نمایم اما وی به خوست رفته بود بعد ساعت ۱۰ قبل از ظهر از دفتر کارم خارج شدم و طرف مکرویان حرکت کردم و به منزل کارمل مراجعه کردم متأسفانه وی در منزل نبود امروز روزیست که خیبر از طرف کا. جی. بی به قتل میرسد.

ساعت پنج بعد از ظهر دو باره به مکرویان رفتم تا با ببرک کارمل ملاقات نمایم وی باز در منزلش نبود و قرار معلوم که وی در یکی از بلاک ها جلسه حزبی داشت بعد از دید و بازدید با دوستان نزدیک شام طرف پل مکروریان حرکت کردم در نزدیک پل از ساحه مطبعه دولتی آواز فیر ها شنیده شد به عجله خود را به محل قضیه رسانیدم. دیدم که در جوار مطبعه دولتی در کنار سرك اسفالت شده جسدی افتیده است و مردم جمع شده اند بعد از چند لحظه پولیس ها در رسیدند و جسد را انتقال دادند اما مردم نمیدانستند که مقتول کیست اما میگفتند که از موتر جیب بر مقتول فیرها صورت گرفت.

فردا جهت چاپ مجله جمهوری پلوشه به مطبعه دولتی رفتم دیدم که کارگرها باهم در باره قتل روز گذشته صحبت می نمودند و میگفتند که میراکیبر خیبر کشته شده است.

من به دفتر پاکمل رئیس هیواد رفتم وی در دفتر کارش نبود با ژورنالیست ها که متجسس و ماجراجو میباشد در تماس شدم بعد از گفت و شنود هاموضوع روشن گردید که مقتول میر اکبر خیبر میباشد.

میر اکبر خیبر گاه گاه نزدیک شام یا شام تاریک از این راه عبور میکرد و عادت داشت که پیاده راه برود.

میر اکبر خیبر از لوگر و به قوم ستانیزی بود. وی کمونیست و تیوریسن ماهری بود و شاگردانش وی را استاد خطاب میکردند. میر اکبر خیبر مخالف کودتای های نظامی بود و در شرایط موجوده از مبارزه پارلمانی طرفداری میکرد وی سرسخت ترین رقیب بیرک کارمل بود و از خود فرکسیون جداگانه داشت افکار میر اکبر خیبر با پلان شوم کی. جی. بی. سازگار نبود. کی. جی. بی. میدانست که در جهان سرمایه داری امروزه دیگر انقلاب سوسیالیستی امکان ندارد و کوتاه ترین راه باید جستجو گردد تا قدرت به هواخواهان سوسیالیزم برسد و این راه کوتاه خصوصاً در کشور های عقب مانده به راه انداختن کودتا های نظامی میباشد. زمانی که سردار داود خان از مسافرت به کشور برگشت و اطمینان حاصل نمود که از پیشتیبانی ممالک اسلامی چون ایران، عربستان سعودی و مصر برخوردار میباشد و میتواند از چنگ روس ها خود را نجات دهد در بیانیه تاریخی خود در قندهار به صراحت اظهار داشت که ایدیالوژی های وارد شده درد ملت را دوا کرده نمیتواند این حرف سردار داود خان و بر خورد وی در قصر کریملین با برژنیف زنگ خطری بود برای شوروی و کمونیست ها داخلی. کی. جی. بی اطمینان حاصل کرد که سردار دیگر سردار سابق نیست باید از بین برده شود. همان بود که کودتای نظامی را پلان کردند و برای برانگیختن و تحریک کردن اردو و حزبی ها دست به قتل خیبر زدند در قتل میر اکبر کی. جی. بی

مستقیماً دست داشت و بتاريخ ۲۸ حمل قبل از قتل خیبر بایلوف کارمند سفارت شوروی در ساحه مکروریان سوم دیده شده بود که بعد از چند لحظه تروریستان از موتر جیب بر میر اکبر خیبر شلیک میکنند و وی به هلاکت رسانیده میشود. فردا حزبی ها که در صفوف متوسط و پایان قرار داشتند از قتل میر اکبر خیبر آگاه شدند، دویدن دویدن آغاز گردید. پرچی ها طرف پوهنتون میدویدند. جسد را احترام میکردند در روز جنازه دفاتر از وجود کارمندان خالی گردید و کارمندان و مردم عوام برای تماشا طرف مکروریان سوم و شهدای صالحین میدویدند و چنین فکر میکردند که بین دولت و حزبی ها شاید بر خوردی صورت گیرد. اما خلاف انتظار دولت هیچ عکس العملی از خود نشان نداد صرف کارمندان ریاست مصئونیت ملی با مخابره هایشان جریان را به مرکز مخابره میکردند بعد از دفن جسد خیبر ببرک کارمل به طمطراق بیانیه خود را ایراد نمود و دولت را مورد تهدید قرار داد و گفت: «دیگر ما سکوت را شکستانده ایم» در جریان مراسم و بیانیه ها چنین صحبت ها آغاز گردید که دولت حمله میکند. اشتراک کننده گان به عجله از راه شور بازار و بالا حصار ناپدید شدند. دولت حمله نمود اما بعد معلوم گردید که حیدر رسولی جهت اغوا کردن دولت به سردار داود خان پیشنهاد نموده بود که حزبی ها باید در شهدای صالحین مورد حمله هوایی قرار گیرند اما سردار داود خان این پیشنهاد را مورد قبول قرار نداد. رسولی خود در کودتا دست داشت و به وی وعده داده شده بود که بعد از موفقیت کودتا وی را بحیث رئیس جمهور انتخاب میکنند. در مورد قتل میر اکبر خیبر حرف ها زیاد زده میشد و حزبی ها میگفتند که میر اکبر خیبر را دولت کشته است. در حالیکه هیچ منطق قبول نمیکند که دولت به چنین کار نا عاقبت اندیشانه دست زده باشد اگر دولت ترور

میکرد باید بېرک کارمل و یا تره کی را ترور میکرد که رهبران درجه يك حزب بودند. فردای جنازه در مسجد پل خشتی مراسم فاتحه خوانی آغاز گردید بېرک کارمل، نور محمد تره کی، حفیظ الله امین و دیگر رهبران حزب بر گلیم غم میر اکبر نشسته بودند. در خارج از مسجد تا پل باغ عمومی سف بسته شده بود و مردم از بین سف ها میگذشتند و داخل مسجد میشدند. در شهر کابل تبصره های وجود داشت و اکثریت مردم عقیده داشتند که میر اکبر خیبر توسط کارمل کشته شده است. بعضی ها میگفتند که قتل خیبر روی يك پلان صورت گرفته است و امکان دارد درین قتل کی. جی. بی. دست داشته باشد طوری که منهاج الدین گهیخ از طرف کی. جی. بی. به قتل رسید. کارمندان بلند پایه دولتی عقیده داشتند که قتل میراکبر خیبر روی يك پلان صورت گرفته و در عقب خود ماجرای در بر دارد. دیده شود که از ین ماجرا چی بر می آید. من فردای امروز با محب الرحمن ننگ مدیر مسئول جریده پکتیا نزد رئیس روزنامه هیواد شاغلی محمد افضل پاکمل رفتم. بعد از صحبت برای وی گوشزد نمودیم که قتل خیبر حادثه عادی نیست شایه این قتل برای قیام کمونیست ها دستاویزی شده بتواند پاکمل پوست کنده گفت: ما اطمینان داریم که ملت با ماست کمونیست ها که يك اقلیت نا چیزست هیچ چیز کرده نمیتوانند، من قبل از ظهر به دفتر قدیر خان زنگ زدم وی در دفترش نبود. شب ساعت ۸ بجه صد دل را يك دل کردم به منزل سردار صاحب زنگ زدم. گوشی را شخص وی برداشت خود را معرفی نمودم سردار صاحب فرمود که فردا صبح به منزل وی بروم. فردا صبح به منزل سردار صاحب مراجعه کردم. محافظین نگذاشتند که داخل منزل والاحضرت شوم هر قدر اصرار کردم که رئیس صاحب جمهور مرا خواسته است نتیجه نداد. تا بالاخره ناظر خاص وی «باز محمد منگل» بیرون

گردید با وی در تماس شدم وی که مرا قبلاً میشناخت و از ارتباط قبلی من با سردار صاحب خوب آگاه بود مستقیماً مرا داخل منزل برده و به سالون رهنمایی نمود. در سالون تعدادی از منتظرین ملکی و نظامی نشسته بودند بعد از چند لحظه سردار صاحب وارد سالون گردید با همه احوال پرسى نمود بعد از نیم ساعت همه منتظرین اهسته اهسته مرخص شدند سردار داود خان رو به من کرد و فرمودند دیشب شما تیلیفون کرده بودید؟

من گفتم بلی.

وی فرمود: گپ چیست؟

من همه جریان را به اطلاع شان رسانیدم و گفتم که وضع متشنج بود پرچمی ها کودتا میکنند سردار صاحب فرمودند: از این حرف ها زیاد شنیده میشود کاملاً درست است.

بلی تحریکات وجود دارد چپی ها به تحریک روس ها جبهه گرفته اند ببرک کارمل را من رشد دادم به فاکولته رسانیدم. از زندان آزادش نمودم اما این خائن با من خیانت میکند. حسین خان پدرش را من به رتبه جنرالی رسانیدم. اما این خاندان نمک حرام امروز مقابل من قد علم میکنند. نور محمد تره کی را من به حیث آتشه مطبوعاتی در امریکا مقرر نمودم وی را من به زابلی معرفی نمودم اما این فروخته شده نیز آله دست روس ها گردیده است و به وطن و مردم خیانت میکند. من به جرئت میگویم اگر ما واقعاً افغان هستیم و خون افغانیت در وجود ما وجود داشته باشد هیچگاه فروخته نمیشویم ما افغان هستیم از خود ایدیالوژی از خود عنعنه و از خود کلتور افغانی داریم ما در راه وطن و مردم سر میدهیم اما وطن و مردم را نمیفروشیم.

بلی وظیفه شما جوانان است که واقعیت ها را درک کنید دسایس

اجنبی ها را کشف کنید و در راه حفظ نوامیس ملی خود فدا کاری کنید و دین ملت و وطن خود را ادا کنید. امروز ما در کشتی شکسته قرار داریم. این کشتی شکسته باید به ابتکار شما جوانان منور از غرق شدن نجات یابد.

در اثنای صحبت سردار نعیم خان داخل سالون گردید. داود خان بعد از تشکر زیاد مرا مرخص نمود. وقتی که از منزل سردار صاحب خارج شدم دیدم که قدیر خان داخل محوطه منزل سردار صاحب گردید مرا بدید. من نزدیک وی رفتم.

وی گفت: چطور آمده بودید.

من گفتم: با سردار صاحب در مورد کودتا صحبت نمودم و مقام جریان را به عرض رسانیدم.

قدیر خان گفت: به موقع خود را رسانیدند. اقدام قاطع گرفته شده است انشاء الله این خائنین ملی گرفتار و محکمه میشوند.

قدیر خان گفت اگر زحمت نمی شود بعد از ظهر به دفتر کارم بیاید من از وی جدا شدم و به دفتر کار خود رفتم.

در فترکارم ننگ مدیر مسئول مجله پکتیا انتظار مرا داشت.

با وی در مورد مرگ میر اکبر خیبر که موضوع روز بود صحبت نمودم. وی حادثه مرگ خیبر را خطر ناک خواند و گفت این مرگ در قبال خود عواقب خطرناک دارد. پرچمی ها زمزمه میکنند که ما انتقام مرگ خیبر را از دولت گرفتنی میباشیم.

ساعت چهارونیم به دفتر کار قدیر خان رفتم بدون معطلی به دفتر خواسته شدم. قدیر خان وزیر داخله باب صحبت راباز نمود از من پرسید که آیا داود خان به حرف های شما خوب گوش داده بود.

گفتم: بلی داود خان از من خیلی ها تشکر نمود از جریان صحبت



معلوم گردید که وی خطر کودتا را درک نموده است.

قدیر خان گفت: حالا همه چیز روشن شده است عنقریب تمام رهبران دستگیر و سرنوشت شان تعیین میگردد.

من از قدیر خان مرخص شدم و خود را قانع ساختم که کار کمونیست ها به پایان رسیده است و خطر کودتا رفع میگردد.

روز دیگر از طریق رادیو تلویزیون شنیده شد که بیک کارمل، نورمحمد تره کی، سلیمان لایق و غیره دستگیر گردیده اند فردای آنروز در منزل ننگ مدیر مسئول مجله پکتیا دعوت بودم نزدیک به چاشت بود که آواز توپ شنیده شد به تعقیب آن فیرها ادامه پیدا کرد من و ننگ به عجله از منزل خارج شدیم دیدیم در چهار راهی حاجی یعقوب یک تانک موضع گرفته است از آنجا خود را به وزارت اطلاعات و کلتور رسانیدم دیدم که مردم طرف فروشگاه میدوند در مقابل وزارت پلان جسد یک افسر پولیس دیده شد و تانک ها در میدانی پشتونستان طرف ارگ شلیک میکنند در بین روز اولین تانک که به وزارت دفاع شلیک کرد تانک اسلم وطنجار بود. جنگ به شدت ادامه پیدا کرد حیدر رسولی توسط موتر جیب از وزارت دفاع طرف ریشخور فرار نموده بود. و در راه کشته شد. زندانیان از توقیف توسط یک تانک آزاد گردیدند و در همین تانک به رادیو افغانستان انتقال داده شدند. در جمله زندانیان حفیظ الله امین نبود برای دستگیری وی جنرال عمرزی توظیف شده بود. ازینکه وی چرا دستگیر نگردید سوالی است که تا کنون حل نگردیده است. جنرال عمرزی در همان شب که رهبران حزب دستگیر میشدند در منزل حفیظ الله امین وجود داشت و در حضور داشت وی کاغذ قومانده کودتا از طرف حفیظ الله امین صادر گردید.

در جریان جنگ قدیر وزیر داخله از ارگ خارج شده بود. بعد از

برداشتن زخم به شفاخانه چهارصد بستر انتقال و در آنجا ضربه گردید مقاومت در ارگ ادامه پیدا کرد. بعد از ظهر قوای هوایی ارگ را مورد بمباری قرار داد. قومانده هوایی بدست دگروال عبدالقادر بود ارتباطات مخابره بین قطعات و داخل ارگ قطع گردیده بود ازینرو قطعات کاری را کرده نتوانست و منتظر قومانده بودند.

در تپهء تاجبیک قطعات اردو طیاره جیت را سقوط دادند ساعت ۴ قبل از ظهر اسلم وطنجار از طریق رادیو مردم را از کودتا آگاه ساخت ازینکه مردم وطنجار را نمی شناختند نمیدانستند که عاملین کودتا کی ها میباشند جنگ تا نیمه شب ادامه داشت تا بالاخره در نیمه شب کودتاچیان داخل ارگ گردیدند. در داخل ارگ عمر، خالد و سردار نعیم خان زخمی و در حضور داشت پدر و برادر خود جا ندادند. امام الدین با دو تن افسران داخل اتاق سردار داود خان گردیده داود خان امام الدین را مورد فیر تفنگچه دست داشته خود قرار داد امام الدین بعد از برداشتن زخم بیرحمانه بر سردار بزرگ شلیک نمود و این سردار نامدار را به شهادت رسانید بعد تمام خانواده داود خان به شمول زن و مرد مورد ظریه قرار گرفتند در جمله شهیدان پاک وحید عبدالله معین وزارت خارجه و عبدالاله معاون ریاست جمهوری نیز شامل بودند فردای کودتا در ولایات مقاومت ها آغاز گردید جنرال یونس خان به طرف کابل حرکت کرد اما او از طرف کمونیست های ننگرهار به هلاکت رسانیده شد. در خوست محمد ولی لوی ولسوالی خوست نیز عاجلاً اعدام گردید در قطعات حرکات ضد کودتا سرکوب و عاملین آن اعدام گردیدند موسی شفیق صدراعظم سابق نیز در روز دوم کودتا در وزیر اکبر خان در منزلش به شهادت رسانیده شد.

مردم از خلال اعلامیه های رادیویی دانستند که کودتا را کمونیست

ها به راه انداخته اند همه مردم سراسیمه و کودتا را خیانت بزرگ ملی تلقی نمودند کمونیست ها بر همه قطعات مسلط شدند و رژیم داود خان به پایان رسید و افغانستان در کام اژدهای سرخ افتید. این بود سهل انگاری داود خان و کودتای هفت ثور که منشه این همه بدبختی ها حیدر رسولی بود تمام اطلاعات که به سردار میرسید سردار در مورد وضع اردو از حیدر رسولی جوای معلومات میگردید اما حیدر رسولی سردار را فریب میداد. درغیر آن یکماه قبل یعنی در اوایل ماه حمل موضوع کودتا سر زبانها بود. شخص من و عبدالمحمد مموزی معاون تفتیش وزارت معارف لیست مکمل کودتاچیان را به غلام محمد شیرزاد وزیر سابق تجارت پیش کردیم. که بعد قدیر خان وزیر داخله، عبدالاله معاون رئیس جمهورو سردار نعیم خان درجریان گذاشته شد اگر در آن وقت حیدررسولی رذالت نمی کرد و واقعیت ها را کتمان نمیکرد. حتماً جلو کودتا به موقع گرفته میشد اما افسوس که داود خان به حرف های دوستان واقعی خود گوش نداد و به حرف های رسولی اعتماد کرد. زمانی داود خان به واقعیت پی برد که کار از کار گذشته بود و پلان کودتا عمیقاً خوب پخته سازماندهی گردیده بود. يك اشتباه بزرگ دیگر داود خان این بود که بعد از دستگیری تره کی و ببرک کارمل به سردار داود خان پیشنهاد گردیده بود که زندانیان باید داخل ارگ نگاهداری گردد. اما این پیشنهاد نیز پذیرفته نشد و به این اکتفا گردید که رهبران حزب زندانی شده اند دیگر خطر کودتا رفع گردیده است اما غافل از اینکه حفیظ الله امین که قومانده کودتا بدست وی بود زندانی نگردیده بود. همین حفیظ الله بود که در اردو ریشه عمیق دوانیده بود و به ابتکار وی صاحب منصبان اردو به حزب جذب و کودتا را سازماندهی داد.

اگر حفیظ الله امین در همان شب با دیگر رهبران حزبی دستگیر

میگردید کسی دیگری نبود که قومانده کودتا را صادر نماید. اما اینکه چرا زندانی نگردید باید جنرال عمرزی که در دستگیری حفیظ الله امین توظیف گردیده بود جواب بدهد. از اینکه خود جنرال عمرزی نیز عضو حزب و جناح پرچم بود. فردای کودتا جسد داود خان و فامیلش بی رحمانه و خلاف کرامت انسانی به صورت وحشیانه توسط بلدوزر در تپه مرنجان زیر خاک گردید.

بعد از تسلط کمونیست ها نورمحمد تره کی بحیث رئیس شورای انقلابی و صدراعظم، بیرک کارمل بحیث معاون صدارت، حفیظ الله امین بحیث وزیر خارجه، سلیمان لایق بحیث وزیر رادیو و تلویزیون و به همین سلسله در رأس تمام وزارت ها حزبی ها قرار گرفتند.

ارگ بنام دخلکو کور نامیده شد در های آن بر رخ مردم باز گردید مردم برای تماشا داخل دخلکو کور میشدند روی قالینی که خون سردار شهید ریخته شده بود بروی چمنی هموار گردیده بود. چشمان شهریان به دیدن آن اشک آلود واز آن دور میشدند حزبی ها داخل منزل سردار محمد داود خان میگردیدند و بین خود میگفتند که منزل داود خان به جنت میماند و در یخچال مرغ های بریان دیده میشود. در حالی که زندگی داود خان يك زندگی عادی و متوسط بود یخچال و تلویزیون در اختیار همه مردم بود.

کتابخان سردار داود خان با یاد داشت های آن والبوم فامیلی وی به تاراج برده شد. مردم کابل بعد از اعلان کابینه به وحشت افتیدند و جنایات لنینی استالینی در خاطره هازنده شد. کمونیست ها اعمال لنینی و استالینی را در جامعه ما تطبیق کردند و درک کرده نتوانستند که ایدیالوژی هفتاد سال قبل لنینی و استالینی دیگر کهنه شده و وقت آن گذشته بود که به زور برچه بر مردم تحمیل گردد خصوصاً در جامعه

افغانی. اما بهتر بود که کمونیست های داخلی مانند سابق به مبارزات پارلمانی خود ادامه میدادند تا فجایع کنونی که هم باعث بر بادی و دریدری خود شان گردید و هم مردم تباه و وطن تاریخی ما به خون و خاک کشانیده شد به میان نمی آمد افسوس صد افسوس که کشور تاریخی ما توسط هواخواهان کمونیسم به باد فنا رفت و فجایع موجوده زاده فجایع آنهاست و پیشگویی سردار نعیم خان در مورد چپی ها و راستی ها تحقق یافت وی دانسته بود که کشور افغانها بدست چپی ها و راستی ها بر باد و در کام آژدها سرخ و یا سیاه فرو میرود. بلی عملاً دیدیم که همینطور شد و ما در کام هر دو آژدها فرو رفتیم و کشور خود را بدست خود به باد فنا دادیم.

«و من الله توفیق»



## بیوگرافی مختصر نویسنده



شاه زمان وریخ ستانیزی در ولسوالی محمد آغه لوگر در یك فامیل نظامی تولد شده و تحصیلات ثانوی و عالی خود را در رشته طبابت به پایان رسانید. در اثر تشویق رجال بزرگ کشور چون شهید سردار محمد داود خان و مرحوم حافظ نور محمد خان کهگدای راه نویسندگی و ژورنالیزم را در پیش گرفت و برای اولین بار اثار وی در سال (۱۳۳۹ - ۱۳۴۰ هـ شمس) در جریده روغتیا زسری به نشر رسید.

در دوره طلایی ظاهر شاهی در سال (۱۳۴۸ هـ شمس) مسلك طبابت را ترك گفته و خدمات ژورنالیستی را ادامه داد.

### خدمات:

- ۱۳۴۸: صاحب امتیاز و مدیر مسئول جریده ملی پکتیکا.
- ۱۳۵۵: مدیر مسئول مجله جمهوری پلوشه.
- ۱۳۵۷: معاون امریت انكشاف پشتو در وزارت اطلاعات و کلتور.
- ۱۳۶۰: مدیر مسئول مجله پکتیا و سرپرست مجله ننگرهار.
- ۱۳۶۱: خیر نگار در روز نامه هیواد.
- ۱۳۶۲: مدیر عمومی شعبه اقتصاد روز نامه هیواد.
- ۱۳۶۲: مدیر عمومی خیر نگاران روز نامه هیواد.
- ۱۳۶۳: مدیر عمومی اطلاعات روز نامه هیواد.
- ۱۳۶۷: صاحب امتیاز و مدیر مسئول جریده ملی پلوشه.
- ۱۳۷۲: معاون ریاست بیهتی.
- ۱۳۷۶: مسئول بورد مسلکی ارشیف ملی.
- ۱۳۷۶: از طرف حکومت ملاها در ردیف کارمندان نا مطلوب از وظیفه سبکدوش.

### سفر به خارج کشور:

ایران - لبنان - آسیای میانه - پاکستان

### اثر چاپ نشده:

- ۱- افغانستان د تمدن خانگو باد مرگ او وحشت گذر گاه.
- ۲- دافغانستان کرونو لوژی (۱۳۷۱ - ۱۳۷۸ هـ شمس).

## کتابفروشی فضل

دهکی منور شاه، قصه خوانی بازار، پشاور

